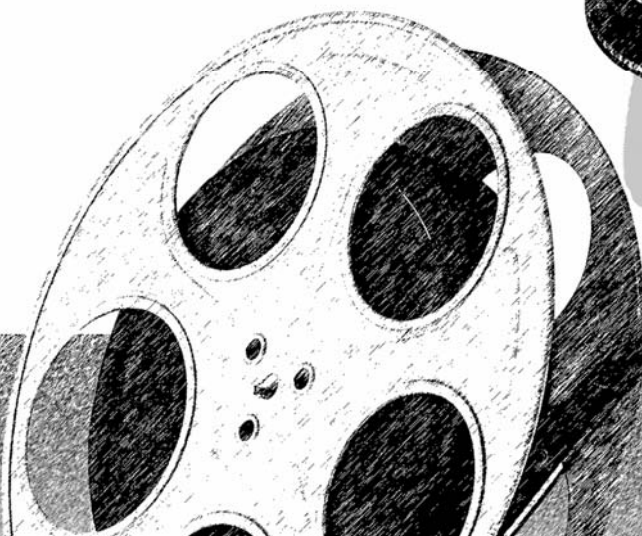


مقدمه‌ای بر بحث فراماسونری و سینما

# هالیوود معبد منجری‌های ماسون

محمود علی پور

اشاره: با اختراع دوربین فیلمبرداری در سال ۱۸۹۵ توسط برادران لومیر و روبرو شدن مردم با پدیده‌ای به نام سینما، جریان فراماسونری با سبطره تهیه کنندگان، نویسندگان و کارگردانان و هنرپیشگان، در تبلیغ جهان‌بینی مادی خود توسط این رسانه برآمد. فراماسونرها با استفاده از نمادها و شعارهای خود در صدد تخریب باورها و تاریخ تو حیدی در مقابل آنان، در صدد تخریب باورها و چهره‌سازی الهی برآمدند. این جریان که نقش محوری در اشاعه فساد و فحشا در بین جهانیان را ایفا می‌کند، هر روز بر سبطره خود بر سینمای جهان به ویژه هالیوود می‌افزاید. این مقاله نگاهی است کوتاه و محققانه در چگونگی نفوذ و استفاده ابزاری جریان فراماسونری از پدیده‌ای به نام سینما.





«جزیره شیطان» لقب گرفته بود، تبعید و در آنجا زندانی شد. چهار سال از تبعید و حبس وی گذشت.

امیل زولا ۳ روز ۱۳ ژانویه در مقاله‌ای با عنوان «من متهم می‌کنم» در نشریه اورور (Aurore) (سپیده‌دم) که نامه‌ای سرگشاده به رئیس‌جمهور وقت فرانسه بود، به اعتراض برآمد. این رخداد باعث تخفیف مجازات دریفوس به ده سال ترک وطن انجامید، اما پس از آن باز هم زولا و برخی دیگر به اعتراضات خود ادامه دادند تا در سال ۱۸۹۹ به دستور رئیس‌جمهور وقت فرانسه، دریفوس آزاد شد؛ اما آزادی وی در حکم بی‌گناهی‌اش نبود. در سال ۱۹۰۲ و همزمان با پیروزی حزب چپ فرانسه بود که پس از کش و قوس و درخواست تجدیدنظر از طرف وکیل دریفوس، در ۱۲ جولای ۱۹۰۶ وی از تمامی اتهامات تبرئه شد.

در سال ۱۸۹۵ دوربین فیلم‌برداری - که قابل حمل بود - توسط برادران لومیر اختراع شد که آن را سینماتوگراف نامیدند. و دریفوس در سال ۱۸۹۴ محکوم و به جزیره شیطان تبعید شد. این در حالی بود که در فیلم آلفرد دریفوس که بازسازی صحنه‌هایی از دادگاه و بردن دریفوس تا کنار کشتی و حرکت کشتی به سمت جزیره شیطان است، ادعا شد که این صحنه‌ها واقعی است و آن شخص

سینما در سال‌های نخستین، موقعیت خود را به عنوان ابزار جعل و مظلوم‌نمایی برای صهیونیسم جهانی یافته بود. در سال ۱۹۸۸ ژرژ میلیس<sup>۱</sup> کارگردان مشهور فیلم‌های علمی تخیلی از جمله فیلم سفر به ماه، فیلمی با نام آلفرد دریفوس ساخت. دریفوس ۲ از خانواده‌ای مرفه و فرزند یک تاجر یهودی بود که به سال ۱۸۷۰ در پی اشغال آژاس و لورن توسط آلمان برای حفظ تابعیت فرانسوی آنجا را ترک کرده بود. آلفرد در ۱۳ اکتبر ۱۸۹۴ به وزارت جنگ احضار شده و متهم به جاسوسی شد. دریفوس اتهام را رد کرد، اما با آزمایش دوباره دستخط، شک بیشتر شد. هم‌زمان با این اتفاق، روزنامه‌های ضدیهودی، در مقاله‌ای با عنوان خیانت بزرگ، دریفوس را به خیانت متهم و خواستار مجازات شدید وی شد. پس از آن بود که فشارها بر دریفوس افزایش یافت و فعالیت مطبوعات در رابطه با این موضوع شدت گرفت و حتی یهودیان مسئول شکست ۱۸۷۰ از آلمان معرفی شدند که تاثیر زیادی در جامعه داشتند. در ۲۲ سپتامبر ۱۸۹۴ دادگاه جنگی وی را به خلع درجه، حبس، تبعید ابد و محرومیت دائمی از حقوق اجتماعی محکوم کرد و در روز ۵ ژانویه، طی مراسمی تحقیرآمیز، از وی خلع درجه شد. دریفوس به جزیره گویان که به



در سایت لژ بزرگ بریتیش کلمبیا و یوکن (Grand Lodge of British Columbia and Yukon)، نتیجه تحقیقی را بر روی سایت خود قرار داده‌اند که بسیار قابل تأمل است. طبق ادعای خود این لژ، تعداد دو هزار و ۱۰۷ فیلم به صورت تصادفی انتخاب شد که قریب به ۱۰۰ فیلم در تعداد گفته شده، به طور مستقیم به نمادها و مناسک و آداب سازمان پرداخته است.



در تصویر، دریفوس است. صحنه‌های این فیلم صامت توسط متولی پخش برای مردم شرح داده می‌شد و قلب مردم را به شدت از سرنوشت دردناک دریفوس متأثر می‌کرد. این نمایش‌ها و داستان‌های همراه آن، جو عمومی را به نفع دریفوس تغییر داد.

تحریف و تغییر واقعیات از طریق سینما، در همان سال‌های ابتدایی سینما به حربه‌ای برای آمال صهیونیسم جهانی بدل شد. یکی از سازمان‌های مدافع صهیونیسم جهانی که در قالب روشنفکرانه به جذب نخبگان و تغییر دیدگاه آنان می‌پردازد، فراماسونری است.

**فیلم مشهور «ماتریکس» با رویکردی نمادین به اساطیر کهن قوم یهود، قصه ظهور منجی و سفر به آرمانشهر یهود (ZAYAN یا ZION) را به تصویر می‌کشد. ناگفته نماند که «زایان» یا همان «صهیون»، نام کوهی مقدس در بیرون از شهر اورشلیم است که صهیونیست‌ها نام آن کوه را بر آیین خویش نهاده‌اند.**

فراماسونری در صدد است تا عقاید، افکار، نمادها و اهداف خود را به وسیله ماشین جنگی سینما، بر فرهنگ مخاطبینش غلبه دهد. سیاست‌های هالیوودی که در دست یهودیان<sup>۴</sup> سرمایه‌دار و ماسون می‌چرخد،<sup>۵</sup> به صورت کاملاً حساب شده، در برهه‌های متفاوت نشأت گرفته از تفکر ماسونی، هم‌گام و هم‌قدم به تولید محصولات جدید می‌پردازد.

در سایت لژ بزرگ بریتیش کلومبیا و یوکن (Grand Lodge of British Columbia and Yukon)، نتیجه تحقیقی<sup>۶</sup> را بر روی سایت خود قرار داده‌اند که بسیار قابل تأمل است. طبق ادعای خود این لژ، تعداد دو هزار و ۱۰۷ فیلم به صورت تصادفی انتخاب شد که قریب به ۱۰۰ فیلم در تعداد گفته شده، به طور مستقیم به نمادها و مناسک و آداب سازمان پرداخته است. البته این تحقیق یادآور شده است که رویه‌ای کاملاً بی‌طرفانه داشته و از هر دو روند عاشق ماسونری یا ضد ماسونری گریزان بوده است، ولی این ادعا کاملاً کاذب است، به طوری که برای اثبات ادعای بی‌طرفی خود، دو فیلم «چشمان کاملاً بسته» و «ارباب حلقه‌ها» را به عنوان دو نمونه از این دو روند (عاشق و ضد ماسونری) قلمداد کرده و اذعان به حذف آن‌ها از لیست کرده است، در حالی که ماسونی بودن این دو فیلم و اشاره مستقیم آن‌ها به آداب و مناسک آن‌ها، کاملاً مشهود است؛ ولی چون در این دو فیلم ماهیت پلید

مراسم‌ها و عقاید آن‌ها آشکار می‌گردد، اقدام به برائت و بی‌زاری از آن‌ها کرده‌اند، با این حال با وجود حذف‌های سلیقه‌ای، باز هم اقرار خود فراماسونرها بر وجود فیلم‌هایی که در تمام تاریخ سینما برای تبلیغ این سازمان ساخته شده است، مؤید استفاده آن‌ها از این ماشین جنگی است.

به طور خلاصه می‌توان روند تسلط تفکر فراماسونری بر سینما را، به پرداختن سینما به موضوعات زیر عنوان کرد:

#### ۱. اعتقادی

a. رواج عقیده به:

۱. صرفاً خالق بودن خداوند؛

۲. استعمار و ظلم بر بشر توسط خداوند؛

۳. بهشت زمینی؛

۴. جادوگرایی و شیطان‌پرستی.<sup>۷</sup>

۵. تکیه دادن انسان بر نیروی خود و نیروی جادویی شیطانی؛

۶. ایجاد منجی‌ها و موعودهایی کاملاً زمینی و انسانی.

b. تخریب ادیان ابراهیمی با:

۱. القاء شبهات در عقاید و باورهای ابراهیمی؛<sup>۸</sup>

۲. القای شبهات در احکام و فرامین صادره از سوی خداوند و تخریب ادیان ابراهیمی؛<sup>۹</sup>

۳. القاء شبهه در اخلاق و اخلاق‌مداری و نتیجه آن؛<sup>۱۰</sup>

۴. تخریب چهره قدسی انبیا و ارائه نظریه نابغه یا شیاد بودن انبیا؛<sup>۱۱</sup>

۵. تمسخر، تحقیر و خراب کردن وجهه قدسی روحانیت و علمای دین به عنوان خادمین و حافظان شریعت؛<sup>۱۲</sup>

۶. ترویج فساد و تحسین امیال و غرایز بی‌حد و حصر انسانی.<sup>۱۳</sup>

#### ۲. تاریخی

a. کهن‌سازی و بااصالت و ریشه‌نشان دادن خود؛

b. مظلوم‌نمایی و دروغ‌پردازی از سرنوشت خود و رفتار روحانیت با آن‌ها؛<sup>۱۴</sup>

c. توجیه مخفی‌کاری‌ها و رازآلود بودن فرقه و قوانین سخت‌حفاظتی سازمان؛<sup>۱۵</sup>

d. نخبه‌سازی و مقدس‌سازی رهبران و اعضا در طول تاریخ.

#### ۳. فلسفی

a. انسان‌گرایی (هیومنیزم)؛<sup>۱۶</sup>

b. دئیسم؛<sup>۱۷</sup>

c. کثرت‌گرایی (پلورالیزم) دینی؛

d. جهان‌وطنی (کاسموپولیتانیزم).<sup>۱۸-۱۹</sup>

#### ۴. باستان‌گرایی و شرک‌گرایی

a. ترویج مصر باستان؛<sup>۲۰</sup>

b. ترویج پاکانیسم (کافرکیشی) و

در این فیلم انسان در اوان کودکی، درون محفظه‌های ژله‌ای محبوس می‌شود تا با خیالش زندگی کند. سیمی نیز به نخاع هر انسانی وصل است و از نیروی انسان، انرژی ماشین بزرگ فراهم می‌شود و این گونه بشر استثمار می‌گردد. این بخش از فیلم‌نامه، توسط مرلین منسون<sup>۲۵</sup> نوشته شده است. منسون بیش از ۵۰ فیلم را نویسنده‌گی و آهنگسازی کرده است. او نماد شیطان‌پرستی مدرن و ضدیت با خداست. فیلم مشهور «ماتریکس» با رویکردی نمادین به اساطیر کهن قوم یهود، قصه ظهور منجی و سفر به آرمانشهر یهود (ZAYAN یا ZION) را به تصویر می‌کشد. ناگفته نماند که «زایان» یا همان «صهیون»، نام کوهی مقدس در بیرون از شهر اورشلیم است که صهیونیست‌ها نام آن کوه را بر آیین خویش نهاده‌اند.

در فیلم «ماتریکس»، دنیا اسیر تاریکی است و تنها چند انسان آزادی‌خواه در یک زیردریایی اسرارآمیز که به کشتی نوح (ع) نسب می‌برد، با این دنیای تاریکی در ستیزند. مقصد زیردریایی، همان آرمانشهر «زایان» است که فقط ناخدا و رهبر گروه «کاپیتان مورفی» نشان دقیق آن را می‌داند. او منجی یا پیامبر جدید را از بین متخصصین کامپیوتر برمی‌گزیند!

جادوی شیطان  
فیلم جادوی عملی (Practical Magic) سراسر تبلیغ و معرفی پاگانیسم و سلتی‌گری و جادوگری است. داستان فیلم، خانواده‌ای را نشان می‌دهد که هیچ وقت مسیحی نبودند و به اعتراف خود پاگانی هستند. هیچ وقت هم در این خانواده حرفی از خدا در بین نبوده است و تمام کارهای خود را با جادو رفع و رجوع می‌کنند. در نهایت مردم هم به سمت آن‌ها گرایش پیدا می‌کنند و با آن‌ها می‌آمیزند و مراسم‌ها و اعمال آن‌ها را هم می‌پذیرند.

فیلم پروژه جادوگر شهر بلر (The Blair Witch Project) داستان جوانانی را نشان می‌دهد که توسط جادوگری که گفته می‌شود در جنگل زندگی می‌کرده و بچه‌های شهر را می‌خورد است، کشته می‌شوند. این فیلم بسیار ترسناک و واقعی ساخته شده است. این فیلم در ترویج ویکینیسم<sup>۲۶</sup> است. در پروژه جادوگر شهر بلر ۲، داستان از این قرار است که در پی بخش فیلم "پروژه جادوگر بلر"، مردم و جهانگردان زیادی برای دیدن محل وقوع حادثه و سنگ‌های جادویی و قبرستانی که در آن بچه‌های کشته شده قرار دارند، به "بورکسویل" سرازیر می‌شوند.

نئوپاگانیسم؛<sup>۲۱</sup>  
c. ترویج هلنیسم یونانی؛  
d. ترویج رومنیسم رومی؛  
e. ترویج میترائیسم ایرانی؛<sup>۲۲</sup>  
f. ترویج شیطان‌گرایی (سیتنیسم) و لوسیفریسم؛<sup>۲۳</sup>  
g. ترویج کابالیسم.<sup>۲۴</sup>  
۵. سمبلیسم

a. نمادها:  
۱. باستانی و کافرکیشانه:  
۱. اسفنجس  
۲. گونیا و پرگار  
۳. دستکش‌های سفید  
۴. جغد  
۵. صلیب شکسته  
۶. مار  
۷. بز بافومه  
۸. صفحه شطرنج  
۹. ماه  
۱۰. خورشید  
۱۱. چشم  
۲. یهودی و دین‌مدارانه:

۱. اعتقاد راسخ به وجود نژاد برتر و برگزیده  
۲. ستون‌های B و J  
۳. مثلث نورافشان  
۴. شیر  
۵. ستاره  
۶. کبوتر  
۷. خروس  
۸. عقاب  
۹. مار  
۱۰. تاج  
۱۱. زنگ طلایی، انار و سوسن  
۱۲. شمعدان هفت شاخه  
۱۳. تخم‌ماق  
۱۴. کلید  
۱۵. شاخه‌های اقاچیا  
۱۶. شمشیر نورافشان  
۱۷. نردبان  
۱۸. تمام نمادهای مربوط به کابالا، مصر، هلنیسم، رومنیسم، میترائیسم و سیتنیسم.

b. اعداد:  
۱. اعداد هفت و دوازده  
۲. اعداد نه و یازده  
۳. عدد سیزده  
در جست‌وجوی بهشت

فیلم ماتریکس؛ سمبل فیلم‌هایی است که خداوند را موجودی نشان می‌دهد که بعد از خلق، ناتوان از اداره آن و حتی برای بقای خود نیازمند به استثمار انسان است.



Haunting Of, Witches ۱۹۹۶  
Hocus Pocus ۱۹۹۳, ۱۹۹۰ Morella  
Bibi Blocksberg ۲۰۰۲

### سوپرمنجی

منجی مرهم آمال بشر است که روزنه امید دینداران به رحمت خداوند و وعده‌های حق اوست. دیندارانی که منتظرند تا بر زمین وارث گشته و در مسیر صحیح و الهی حکومت را بر دست بگیرند تا خداوند عبادت شود، اما فراماسونری که منکر ادیان و خداوند و انبیا گشته است و همه آن‌ها را توهم می‌داند، دین خود را تحت عنوان نظم نوین جهانی بر همه غالب کرده است؛ اما پدیده منجی‌گرایی و آمدن شخصی که آمال آلام است، از ذهن بشر پاک نمی‌شود. در این جهان پر رنج و ظلم، نیاز به عدالت‌گستری مهربان ضروری است که دست مهرش بر سر بشر فرود آید. فراماسونری که نمی‌توانست از این جریان غفلت کند، با به انحراف کشیدن این مقوله و وفق‌سازی موعود با فرهنگ سکولار خود، موعودی به نام «سوپرمن» را در سال ۱۹۳۸ در شوی تلویزیونی ابداع کرد؛ منجی کاملاً زمینی و روشنفکر، روزنامه‌نگار و متمدن با تمام شاخصه‌های فراماسونری. شخصی که از خدا کمک نمی‌خواهد و با تکیه بر قدرت خود و هوش و درایت انسانی به کمک بشر می‌آید. موعود که در تمام دوره‌های تاریخی رنگ عوض کرده است؛ بت‌من، اسپایدرمن و حتی سوپر وومن‌ها در هر برهه یک رنگ. این رنگ باختن و به رنگ دیگری درآمدن، عادت شیادان است. در هنگامه مد شدن فمینیسم، سوپر وومن‌ها مانند زن گربه‌ای catwoman ۲۰۰۴ می‌آیند و وقتی شیطان‌پرستی مد شود، اسپایدرمن ۲۹ man پیدا می‌آید. منجی‌هایی که به جای تئوری پردازی، تکنیسین‌هایی قابل (مثل نئو در ماتریکس) ۳۰ هستند.

شخصیت سوپر من، شخصیتی کاملاً یهودی است. روزنامه صهیونیستی هآرتص، از قول یک مورخ می‌نویسد: "قهرمان‌ها بسیار نیرومند بودند با قدرت‌هایی استثنایی. این قهرمان‌ها افرادی بیگانه بودند. بعضی اوقات هم آدم فضایی. آن‌ها تلاش می‌کردند آمریکا را به مسیر اصلی خود بازگردانند؛ چیزی که مفسران آن را با وضعیت مهاجران در آن زمان مرتبط می‌دانند."

این روزنامه همچنین به نمونه‌ای واضح‌تر درباره "سوپرمن" اشاره می‌کند که صراحتاً بر یهودی بودن او تأکید می‌کند. این روزنامه به گزارش "MAD" درباره سوپرمن اشاره می‌کند و می‌نویسد: «در این نمایشگاه

این شبّادی تا حدی پیش می‌رود که قداست و پاکی که لازمه منجی بودن است، حذف می‌شود و زنازاده‌ها و کسانی که خانواده ندارند و همه مجرد هستند، موعود آرمانی فراماسونری هستند.

در این بین اکیپ‌های محلی به عنوان تور جادوگر بلر، مردم را به محل‌های مخصوص راهنمایی می‌کنند و تی‌شرت‌هایی که بر روی آن آرم "voodoo ۲۷- عروسک چوبی که طلسمی از بچه‌های کشته شده است - وجود دارد.

زن و شوهری جوان که تحقیقاتی در مورد جادو و اثرات روانشناختی ترس و توهمات ناشی از ترس کرده‌اند، برای تکمیل پروژه خود و اینکه جادوگر بلر را نفی کنند، به این محل رهسپار می‌شوند. نام دوم فیلم، «کتاب سایه» هاست (book of shadows) که نام کتابی است که نوشته‌ها و تقریرات جادوآموز از استاد جادوگر خود است که شامل اوراد و تعویذات سحر می‌باشد. از جمله مفاهیم دیگری که در این فیلم وجود دارد، می‌توان به مراسم اهدای خود، بخور، قربانی، حلول‌گرایی، قدرت کم خداوند، تقدیرگرایی، قدرت زیاد نیروی اهریمن، بی‌خدایی، ارتباط با روح، حیوانات شیطانی (جغد البته منظور از منظر شیطان‌پرستان است)، عریان شدن، مراسم شب شنبه، الهه زن، کاهن زن، وردخوانی، طبالی (از مراسم شبات و اهدا خود) و برانگیختگی انرژی اشاره کرد.

اجرای مراسم شبات در هر دو فیلم و زنده کردن مناسک پاک‌نستی و کافرکشانه و فیلم‌های دیگری نظیر این، به چه دلیل می‌تواند باشد؟ حتی فیلمی به همین نام جادوگران شبات (Witch's Sabbath) ۲۸ در سال ۲۰۰۵ ساخته شد. نمونه‌های دیگر را نیز می‌توان در این زمینه اشاره کرد:

### فیلم‌های:

- Witch's ۱۹۶۰, Witch's Mirror ۱۹۶۳, Witchhouse ۱۹۹۹, Curse ۱۹۶۳
- Witches ۲۰۰۲, Witchhouse ۲۰۰۴, Of The Caribbean ۲۰۰۵
- Witches Of Breastwick ۲۰۰۵, Witches In, Witches Night ۲۰۰۷
- The Witches ۱۹۹۰, Stitches ۱۹۹۷, Sorceress ۱۹۹۵, Witches ۱۹۶۶
- Black, Sorceress II ۱۹۹۶, Black Magic, Magic ۱۹۷۵, ۲۱۹۷۶
- Black Magic, Magic ۱۹۷۵, ۲۱۹۷۶, Leak - Mystics in Bali ۱۹۸۱
- The Black, Little Witches ۱۹۹۶, Little, Merlin ۱۹۹۸, Magic ۲۰۰۵

JIM CAVIEZEL

When a deadly conspiracy became a shameful cover-up



One witness refused to be silent.

# THE STONING of Soraya M.

BASED ON A TRUE STORY

CYRUS NOWRASTER, SHOHREH AGHDASHLOO, "THE STONING OF SORAYA M.", MOZHAN MARINO, JIM CAVIEZEL, ANDREW ANDERSON, MUSIC BY JOHN DEBNEY, DIRECTED BY GEOFFREY ROYLAND, COSTUME DESIGNER DAVID HANDMAN, EXECUTIVE PRODUCERS JUDY RHEE, TODD BURNS, JIM PROSSER, STEPHEN A. MARINACCO II, EXECUTIVE PRODUCERS DAVID SEGEL, TINA SEGEL, KEN FERGUSON, PRODUCED BY STEPHEN M. EVELTY, JOHN SHEPHERD, BASED ON A TRUE STORY BY FREDOUNE SAHERJAM, WRITTEN BY BETSY GIFFEN, NOWRASTER & CYRUS NOWRASTER, DIRECTED BY CYRUS NOWRASTER

toning.com COMING SOON



سن داشته است.)

روند رو به رشد القائات و بی جواب ماندن این سؤالات سبب تضعیف اعتقادات عامه مخاطبان می شد. داستان‌هایی غیرواقعی از متدینین که به انواع بدبختی‌ها و بیماری‌ها دچار می شوند و خدایی برای شفا و اجابت خواسته‌ها نیست. دغدغه‌های یک معلول و یا نابینا و مطرح شدن ظالمیت خداوند و شبهه‌هایی از این دست، اثرات مخربی بر ذهن مخاطب بر جای می گذاشت. زیر سؤال بردن اصول ایمان مسیحی مثل، ایمان‌باوری کورکورانه و ضد عقل، اجبارگرایی در عرصه حکومت، ظلم‌پذیری نابخردانه، جنی شدن و قدرت شیطان؛ باعث تخریب شالوده ضعیف ایمانان و رویکرد آنان به سوی روشنفکری ماسونی شد.

به عنوان مثالی دیگر، در فیلم ۲۱ گرم (۲۱gram) الخاندرو شخصیت متعصب مسیحی که همه چیز خود را بعد از زندان از مسیح می‌داند، سعی در تربیت دینی کودکان خود دارد. در سکانسی از فیلم که پسر ده ساله‌اش خواهر هفت ساله‌اش را سیلی می‌زند، مرد به اجبار از دختر می‌خواهد تا سمت دیگر صورتش را که سیلی نخورده، به سمت برادرش بگیرد و پسر را مجبور می‌کند که سیلی دومی به خواهرش بزند، زیرا در انجیل تحریف شده، مسیح می‌گوید اگر کسی به تو سیلی زد، آن سوی صورتت را نیز به او بده تا سیلی دیگری بزند.

در فیلم تابستان عشق من My Summer Of Love (۲۰۰۴)، دو جریان خداگرایی مسیحی و بی‌خدایی نیچه، کنار هم قرار گرفته است. جریان مسیحی با تمام نشانه‌های شناختی سطحی و بدون مغز و با تکیه بر شهود و تولد دوباره، مورد تمسخر قرار گرفته است. این جریان چون با عوام‌فریبی و سعی در خدایی شدن بدون شناخت و با پیروی از القائات کلیسای پروتستانی است، نمی‌تواند در جریان مشکلات زندگی نقش التیام‌بخشی را ایفا کند. مونا دختری است که پدر و مادرش را از دست داده و برادرش هم در زندان بوده و شخصیت او نیاز به یک حامی دارد. او خود را در دامن مردی که بتواند از او حمایت کند، می‌اندازد؛ ولی به دلیل جو خراب جامعه، ریکی او را درک نکرده و از او سوء استفاده می‌کند. از سوی دیگر برادرش هم در زندان دچار تحوّل شده و خواستار تغییر در رفتار و در پیش گرفتن سویه جدیدی در زندگی است. او این تغییر را به نفع خویش می‌بیند و برای رهایی خواهرش از مشکلات می‌خواهد او

همچنین داستانی که در مجله "MAD" در سال ۱۹۹۴ به چاپ رسیده است، وجود دارد که "سوپرمن" را به عنوان پسریهودی "هیمن" و "دوریس فیلدستین" از منطقه بروکلین در نیویورک معرفی می‌کند. لباس او دارای ستاره داوود است و مادر او، تولد نوزاد را با رؤیاهای خود که او را در آینده دکتر می‌بیند، جشن می‌گیرد.<sup>۳۱</sup>

این شیادی تا حدی پیش می‌رود که قداست و پاکی که لازمه منجی بودن است، حذف می‌شود و زنازاده‌ها و کسانی که خانواده ندارند و همه مجرد هستند، موعود آرمانی فراماسونری هستند. در فیلم «این کودک را دعا کنید» (Bless the Child)، محصول ۲۰۰۰، کودی دختری زنازاده است که مادرش در یک تجاوز دسته‌جمعی او را حامله شده است و اکنون برای مقابله با شیطان انتخاب شده و با قدرت خود، شیطان و دار و دسته‌اش را نابود می‌کند. منجی‌ای که ردای مسیحیت دارد و مذهبی است، ولی زن است و زنازاده. در این فیلم بافومت، مار و انواع خطوط و نمادهای شیطان‌پرستان نمایش داده می‌شود.

### توهین به یکتاپرستی

فراماسونری با ایجاد شبهه در فیلم‌های به ظاهر مذهبی و مقدس، پایه‌های ابتدایی تهاجم خود را آغاز کرد. در فیلم کتاب آفرینش (The Bible: In the Beginning) محصول ۱۹۶۶ که مطابق با تورات تحریف شده ساخته شده بود، با احتیاط شروع به تخریب پیامبران و وجهه مقدس آنان کردند. القا شبهات و ظالم نشان دادن خداوند، گام نخست برای نشانه رفتن ایمان مخاطبان جوان و نوجوان فیلم‌ها بود. در صحنه‌ای که حضرت ابراهیم (ع) کودکش را به قربانگاه می‌برد، او را از کنار شهر سدوم قوم لوط که دچار عذاب شده بودند، می‌گذرانند. ناگهان کودک پایش به جمجمه طفلی خرد بر خورد می‌کند و ماری از چشم جمجمه بیرون می‌آید که باعث هراس کودک می‌شود. کودک از پدرش سؤال می‌کند که این کودکان به چه جرمی عذاب شدند؟ این محاوره که از سوی حضرت ابراهیم (ع) بی‌جواب می‌ماند، در ذهن این کودک اثر می‌گذارد تا اینکه به قربانگاه می‌رود و وقتی با دست و پای بسته خود را می‌یابد، بیشتر از این از خدا متنفر می‌گردد. (در قضیه حضرت لوط (ع) و حضرت نوح (ع)، تا ۲۰ سال هیچ فرزندی از آن گناهکاران متولد نشد؛ یعنی کوچکترین فرد عذاب شده، حداقل ۲۰ سال

Academy Award® Nominee  
SHOHREH AGHDASHLOO



ROADSIDE ATTRACTIONS PRESENTS IN ASSOCIATION WITH MPOWER DISTRIBUTION AN MPOWER PICTURES PRODUCTION A FILM BY C...  
CASTING DEBORAH AQUILA COSTUME DESIGNER JENNIFER SMITH EXECUTIVE PRODUCERS JOEL RANSOM PRODUCED BY DEBORAH AQUILA  
DIRECTOR OF PHOTOGRAPHY TRICIA WOOD EDITOR DIANE HENDRICKS EXECUTIVE PRODUCERS THOMAS J. PAPA  
MONGREL MPOWER  
DOLBY DIGITAL

www.thes...

روزنامه فراماسونری



IT STARTED  
WITH REVENGE.

HANNIBAL  
KING

07

هوسباز و زناکار معرفی می‌شوند و یا افرادی طمع‌کار و سوء استفاده کننده از قدرت در سریال مرغ خارزار *The Thorn Birds* (۱۹۸۳) کشیشی را نشان می‌دهد که به سراغ مزرعه‌داری می‌رود و با دختر تازه به بلوغ رسیده او روابط عاطفی برقرار می‌کند و در نهایت با همان دختر که هم شوهر دارد و هم فرزند، زنا می‌کند و محصنه انجام می‌دهد و نوزادی نامشروع از این رابطه متولد می‌شود و کشیش هم در نهایت به یک کاردینال اعظم مبدل می‌گردد. نشان دادن روابط دختر جوان راهبه و پسر جوان راهب به صورت مخفیانه در فیلم ۴۰ روز ۴۰ شب *Days and Nights* (۲۰۰۲) و تعداد زیادی از فیلم‌های دیگر، جز شکستن هنجار و تقدس روحانیت در ذهن جوانان و نوجوانان کاری انجام نداده است. در فیلم خواهران *Magdalene Sisters* (۲۰۰۲)، تعدادی راهبه را نشان می‌دهد که به اجبار به کلیسا آورده شده‌اند و کشیش‌های مرد از آنان سوء استفاده می‌کنند و دختر داستان، با فریب پسر باغبان، کلید باغ را به دست می‌آورد و از آن‌جا فرار می‌کند. در پایان فیلم هم نوشته می‌شود این داستان واقعی است و این دختر اکنون در سن فلان سالگی با چهار ازدواج و طلاق در فلان شهر زندگی می‌کند. نمونه‌های دیگر را نیز می‌توان در این زمینه اشاره کرد. فیلم‌های:

*Antonia, The Devils* (۱۹۷۱),  
*La mala educación* (۱۹۹۵),  
*Maya, Priest* (۲۰۰۴),  
*Breakfast on Pluto* (۲۰۰۵),  
*Bakjwi* (۲۰۰۹),  
*In nome del papa* (۱۹۷۱),  
*Il Decameron* (۱۹۷۱),  
*Ein Leben lang kurze Hosen*  
*tragen* (۲۰۰۲),  
*Camila* (۱۹۸۴),  
*The Pit*,  
*Agios Prevezis*,  
*El* (۱۹۹۱),  
*and the Pendulum*,  
*crimen del padre Amaro* (۲۰۰۲),  
*Nine Lives* (۲۰۰۴),  
*Airplane II: The Sequel* (۱۹۸۲),  
*Il prete bello*,  
*Storie scellerate* (۱۹۷۳),  
*Hera Purple* (۱۹۸۸),  
*Last Rites* (۲۰۰۱),  
*Monsignor* (۱۹۸۲),  
*The Order* (۲۰۰۳),  
*Final Judgement* (۱۹۹۲),  
*Lucrezia giovane* (۱۹۷۴),  
*Le bon roi Dagobert* (۲۰۰۵),  
*Sins*,  
*Schulmädchen-Report* (۱۹۸۴),  
*Teil - Was Eltern wirklich* ۵  
*Adam & wissen sollten* (۱۹۷۳)

را هم وادار به تبعیت از خود کند. خواهرش که نمی‌تواند شادی و سیر واقعی زندگی را در روش برادر ببیند، به مخالفت بر می‌خیزد. فیلم، مردم دیندار را افرادی شپاد معرفی می‌کند که سعی می‌کنند کمبودهای خود را با دینداری جبران و رفتارهای پست خود را توجیه کرده و دیگران را نیز به این روش سخیف وادار کنند.

در فیلم *Hannibal* (۲۰۰۱)، زنان و مردانی دزدیده می‌شود تا عده‌ای دیگر از خوششان حمام بگیرند. نشان دادن زدن گردن این زنان و مردان دزدیده شده و فوران خون آن‌ها تا پر شدن وان حمام از خون آن‌ها و یا خوردن گوشت آدمیزاد و یا کشتن کودکی ۱۰ ساله با اسلحه جلوی هم بازی هایش؛ تنها نمونه‌ای اندک از صحنه‌های خشونت‌بار و وقاحت‌آمیز این فیلم‌هاست.

### قتل انبیا (ع)

در فیلم آخرین وسوسه‌های مسیح *The Last Temptation of Christ*، مسیح را فردی متعصب معرفی می‌کند که به خاطر ترک دنیا، نامزدش را رها کرده و نامزد بیچاره‌اش (مریم مجدلیه) روسپی می‌شود. وقتی به پیامبری می‌رسد، برای حلالیت گرفتن در صف مشتریان مجدلیه می‌نشیند تا نوبتش شود و بعد از او حلالیت می‌طلبد. داستان به اینجا ختم نمی‌شود و در وقایعی که برای عیسی مسیح (ع) اتفاق می‌افتد؛ مانند نزول وحی و یا معجزه، شک و دودلی او نمایش داده می‌شود و او را بین مرز ایمان و کفر معلق نگه می‌دارد.

توهین به عیسی مسیح (ع) در فیلم‌های گوناگون صورت پذیرفته است و با روا داشتن تهمت‌های سخیف‌شان، قدسی بودن او و مادرش را به زیر کشیده‌اند. در فیلمی با معرفی کردن عیسی به عنوان یک همجنس‌باز و روابط او با حواریون، درصدد توجیه رهبانیت او برآمده‌اند و در فیلم دیگری او را ثمره زنا مادرش معرفی می‌کنند یا در خیابان‌های آمریکا او را لخت و عور در حال خواندن اشعار سخیف و حرکات مستهجن نشان می‌دهند.

در فیلم یک سال *Year One* (۲۰۰۹) تمام پیامبران از آدم تا ابراهیم (ع) را به سخریه گرفته و داستان‌های آنان را چیزی شبیه افسانه‌های خنده‌دار و مضحک درآورده است.

### سیلی به خادمان خداوند

تمسخر روحانیت و شکستن جایگاه قدسی آنان، سرلوحه فیلم‌ها قرار گرفته است. در این فیلم‌ها کشیش‌ها افرادی



Gay Priest Jeffrey, Eve (۲۰۰۲), Ordinary Sinner (۱۹۹۵), Release (۲۰۰۹) Year One, (۲۰۱۰).

### دجال دیجیتالی

«بگذار ملت آمریکا برای یک بار بفهمند که این نه یک انحطاط طبیعی، بلکه توطئه حساب شده و ویرانگری است که ما را احاطه کرده است...» این جمله‌ای است که «هنری فورد» آمریکایی قریب نود سال پیش در روزنامه مشهور «دیر بون ایندپندنت - Dear Born Independent» نوشت و آمریکاییان را از سقوط در منجلاب فساد مادی و انحطاط اخلاقی برحذر داشت. او در سلسله مقالات معروف خود، از جریان سازماندهی شده و نظام‌مندی سخن گفت که تدریجاً با ترویج لیبرالیسم اخلاقی و تساهل اعتقادی، جامعه آن روز آمریکا را به سمت فساد و تباهی سوق می‌داد.

نشان دادن گناهان و کم کردن بار عذاب وجدان و یا توجیه گناهان؛ از دیگر برنامه‌های هالیوود است. ساخت فیلم‌های متعدد از زندگی فاحشه‌های دوران جنگ و دوران رکود اقتصادی، توجیه‌گر عمل قبیح این گناهکاران و عاصیان درگاه خداوند شده است و از شخصیت آنان فرشتگانی مهربان و ایثارگر پدید آورده است. روند ضد اخلاق‌گرایی صنعت فیلم هالیوودی، آنچنان پیشرفته است که همجنس‌بازی زنان و مردان و کودک‌آزاری، بدون هیچ دغدغه و اعتراضی پذیرفته می‌شود و حتی جوایز متعدد می‌گیرند.

فیلم قوی سیاه (black swan) که نامزد جایزه اسکار ۲۰۱۱ بود، داستان رقاصه باله‌ای است که به طور علنی و آشکار، اعمال منافی عفت از خود در فیلم نشان می‌هد.

در فیلم مالنا (Malèna)، زن یکی از رزمندگان ایتالیایی که در جنگ به سرنوشت نامعلومی دچار شده است، روسپی نیروهای نازی می‌شود و بعد از پایان جنگ که شوهرش برمی‌گردد، برای فرار از حرف مردم، به شهر دیگری کوچ می‌کند. یا در فیلم هانیبال (Hannibal)، زنان و مردانی دزدیده می‌شود تا عده‌ای دیگر از خونشان حمام بگیرند. نشان دادن زدن کردن این زنان و مردان دزدیده شده و فوران خون آن‌ها تا پر شدن وان حمام از خون آن‌ها و یا خوردن گوشت آدمیزاد و یا کشتن کودکی ۱۰ ساله با اسلحه جلوی هم بازی‌هایش؛ تنها نمونه‌ای اندک از صحنه‌های خشونت‌بار و وقاحت‌آمیز این فیلم‌هاست.

در فیلم گناه اصلی (original sin) با

بازی آنجیلینا جولی، داستان زنی یتیم را نشان می‌دهد که دست‌آویز یکی از پسران نوانخانه‌ای شده است که در آنجا بزرگ شده‌اند. پسرک شیاد از این دختر به عنوان طعمه برای دزدیدن ثروت مردان ثروتمند استفاده می‌کند و او را به زنی آن‌ها می‌فرستد، در حالی که خود با او رابطه دارد.

در فیلم کوئین، زندگی نویسنده‌ای مجنون به تصویر کشیده می‌شود که داستان‌های جنسی می‌نویسد. در این فیلم، نویسنده مجنون بارها به خداوند توهین می‌کند. امثال این فیلم‌ها که به زندگی گنهکاران و نشان دادن گناهان آن‌ها می‌پردازد، بسیار زیاد است که دیگر نیازی به آوردن ندارد و شاید بتوان گفت فیلمی که در آن گناه نمایش داده نشود، ساخته نمی‌شود. شرب خمر، قماربازی، دزدی، همخوابگی محارم، قتل، تجاوز، همجنس‌گرایی، اعتیاد به مواد مخدر، خیانت در روابط همسرانه، دروغ و فحش‌های رکیک؛ نقل و نباتی است که در هالیوود رایج است. در این بخش نیازی به اشاره به چند فیلم نیست و به جرئت می‌توان هر فیلمی که در هالیوود تولید می‌شود را نام برد.

### دروغ پردازی و توجیه‌گری

فراماسونری همواره با گردش آزاد سرمایه در دنیا به تجارت می‌پردازد<sup>۳۲</sup> و در قالب سازمان‌های خیریه<sup>۳۳</sup> و بشردوستانه، سعی در ساختن چهره‌ای موجه و مثبت از خود داشته است. رویکرد سینمایی دهه اخیر هالیوود هم، ساخت و پرداخت چنین جلوه‌ای از این سازمان بوده است. ماسونرها با سری فیلم‌های گنجینه ملی ۲۰۰۴ National Treasure، سری رمز

داوینچی (code) و سری مستند راز (SECRET)، سعی کرده‌اند تاریخچه‌ای ساختگی برای خود دست و پا کنند. در این سری‌ها خود را افرادی آزاد، مستقل، بشردوست، نخبگان جامعه و مورد قهر مذهب نشان می‌دهند که در طول تاریخ خود را با حفظ اسرار محافظت کرده و میراث خود را تاکنون به دست بشر کنونی رسانده‌اند و از مخاطب می‌خواهند که او اکنون از این میراث حفاظت



HANNIBAL  
RIS  
200



# FRIIX



کودک پدربزرگ؟... ما شوالیه‌ایم؟  
 پدربزرگ: می‌خواهی باشی؟... خیلی خوب.  
 زانو بزن... "بنجامین فرانکلین گیتس  
 "... شما وظیفه "شوالیه‌های معبد"،  
 میسون‌های آزاد" و خانواده گیتس رو به  
 عهده می‌گیری... آیا قسم می‌خوری؟  
 کودک: قسم می‌خورم.

فیلم فرمان (the order)، داستان یک  
 شوالیه فنلاندی به نام چارلز لیوایلت است  
 که برای جنگ به اورشلیم می‌رود. او وقتی  
 می‌بیند شوالیه‌ها با این که به خدا ایمان دارند  
 مرتکب قتل و خونریزی می‌شوند، مسیر  
 خود را از شوالیه‌های دیگر جدا می‌کند و  
 روزهای زیادی در خیابان‌های بیت‌المقدس  
 سرگردان می‌شود. او کشف و شهودهای خود  
 را در جریان سرگردانی‌اش در بیت‌المقدس  
 در کتابی به نام فآزار مکتوب می‌کند. این  
 مکتوبات اساس شکل‌گیری فرقه‌ای مذهبی  
 می‌شود که از اعتقادات سه مذهب اصلی  
 اسلام، مسیحیت و یهود آمیخته است. او  
 بعدها از طرف پاپ‌ها و مقامات مذهبی  
 مسیحیت، به کفر و ارتداد متهم می‌شود و  
 توسط شوالیه‌ها کشته می‌شود. در پی کشته  
 شدن او، فصل نهای کتابش گم می‌شود؛  
 فصلی که در آن به دو نکته مهم اشاره شده  
 است: یکی نقشه گنج سلیمان و طلاهایی  
 که در زیر شهر اورشلیم پنهان شده است  
 و مورد دیگر که البته بسیار مهم‌تر از گنج  
 می‌باشد، پیش‌بینی انقلابی در آینده است.  
 در ادامه فیلم، در زمان حال و در اواخر قرن  
 ۲۰ می‌بینیم که در فلسطین اشغالی، فرقه‌ای  
 شبیه شوالیه‌های معبد وجود دارد که پیرو  
 چارلز لیوایلت می‌باشند و معتقدند در کتاب  
 فآزار، پیش‌بینی جنگی خونین بین اسلام و  
 مسیحیت شده است و آن‌ها باید با تخریب  
 مسجدالاقصی شرایط این جنگ را به وجود  
 آورند. به چند نمونه فیلم در این زمینه اشاره  
 می‌کنیم:

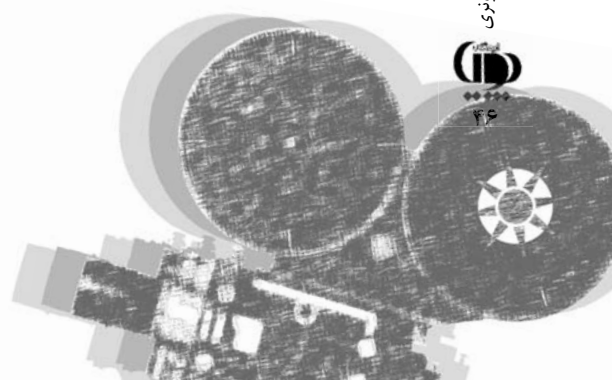
تبدیل ادیان ابراهیمی به ادیان غیر  
 ابراهیمی، از دیگر پروژه‌های سینمای  
 هالیوودی است. در این روند سعی می‌شود  
 تا افراد از دین ابراهیمی به شدت متنفر شده  
 و جواب سؤالات خود و آرامش خود را در  
 ادیان و فرقه‌های غیر ابراهیمی بیابند.

- Seongbulsau bam ۱۹۷۰
- Rencontre avec le dragon ۲۰۰۳
- Tempelriddernes skat ۱ ۲۰۰۶
- Tempelriddernes skat ۲ ۲۰۰۷
- Tempelriddernes skat ۳ ۲۰۰۸
- Arn, ۲۰۰۸ Don't Wake the Dead

کرده و با احترام فراوان، از میراث‌داران این  
 ارث گرانبها، تقدیر کنند و در هر جا که  
 نامی از ماسون شنیدند، قدردان زحمات آنان  
 باشند؛ گنج و میراثی که مذهبی‌ها سعی در  
 تخریب آن داشته‌اند، زیرا که می‌خواستند با  
 این ترفند بر مغزها و اراده‌ها حکومت کنند و  
 انسان را به استثمار بکشانند که به یمن وجود  
 ماسون‌ها، عقیده آزادی برای آن‌ها به ارمغان  
 آورده شده است. گنجی که در آن مشت  
 خدا باز می‌شود و نشان می‌دهد چگونه  
 خداوند بشر را تحت بردگی خود درآورده  
 و استثمار می‌کند و آزادی‌های او را ممنوع  
 کرده است. گنجی که نشان می‌دهد خداوند  
 تنها یک خالق است که جهان را خلق کرده  
 و بازنشسته گردیده است و عده‌ای سودجو

در فیلم گنجینه ملی، پیرمردی برای  
 نوه خردسالش داستان ارتباط شوالیه‌های  
 معبد و بنیان‌گذاران آمریکا را بیان می‌کند.  
 او به نوه‌اش می‌گوید شوالیه‌های معبد به  
 همراه فراماسون‌ها محافظان گنج آمریکا  
 بوده‌اند. پدربزرگ سعی دارد برای نوه  
 خود که نماینده نسل جوان آمریکا است،  
 هویتی قهرمانانه و افتخارآمیز از شوالیه‌های  
 معبد و گروه دنباله‌روی آن‌ها یعنی  
 فراماسون‌ها به تصویر کشد.

با اسم نبی و بعد از آن به اسم روحانی  
 چگونه از این ناآگاهی مردم سوء استفاده  
 کرده و بر کرده اجداد و نیاکانشان نشسته  
 و حکومت کرده‌اند. حکومتی که پادشاهان  
 سایه خداوند و روحانیون بازوی خداوند  
 بودند. ماسون‌ها در قداست و شرافت گنج  
 خود و آزادی فکری که دست‌آورد اصلی آن  
 است، یادآور می‌شوند که آن را از دل تاریخ  
 سیاه قرون وسطی، به وسیله آزاد مردانی  
 که یوغ شکنجه‌ها را تحمل کرده، ولی  
 اسرار خود را حفظ کردند، به دست انسان  
 امروزی رسانده‌اند. در فیلم گنجینه ملی،  
 پیرمردی برای نوه خردسالش داستان ارتباط  
 شوالیه‌های معبد و بنیان‌گذاران آمریکا را بیان  
 می‌کند. او به نوه‌اش می‌گوید شوالیه‌های معبد  
 به همراه فراماسون‌ها محافظان گنج آمریکا  
 بوده‌اند. پدربزرگ سعی دارد برای نوه خود  
 که نماینده نسل جوان آمریکا است، هویتی  
 قهرمانانه و افتخارآمیز از شوالیه‌های معبد و  
 گروه دنباله‌روی آن‌ها یعنی فراماسون‌ها به  
 تصویر کشد.



# MAT



## Tempelriddaren - ۲۰۰۷

### سراب خودخواهی

فطرت پاک و تشنه معنویت جوانان غربی و شرقی در دو دهه اخیر سبب سرخوردگی شان از این نوع فیلم‌ها شد که با برنامه‌ای حساب شده، چرخ این تانک به جهت معنویت حرکت کرد و برای تسکین دادن روح تشنه جوانان، از مسکن‌ها و مخدرهای معنوی استفاده بردند و به تبلیغ معنویتی بدون خدا پرداختند. معنویت و آرامشی که با اعتقاد به آموزه‌هایی تجربی و عقلائی و گاه متوهمانه و شرک‌گرایانه جایگزین تعالیم به سخره گرفته انبیا (ع) شد. اوج خودخواهی و کبر در خودپرستی است که این ماشین جنگ فرهنگی با تولید فیلم‌های شبه معنوی، فطرت‌های الهی را به فطرت‌هایی شیطانی مبدل ساخت.

در فیلم جنگجوی درون *peaceful warrior* ۲۰۰۶، پسر ژیمناستی که برای مسابقه آماده می‌شود، در حادثه رانندگی پایش خرد می‌شود و امید خود را برای رفتن به المپیک از دست می‌دهد. در این حال با پیرمردی آشنا می‌شود که به او روحیه خودباوری و اتکا به خود را یاد می‌دهد و در نهایت پسر در المپیک شرکت می‌کند و موفق می‌شود. نمونه فیلم‌هایی که در آن از خدا خبری نیست و هیچ چیز با دعا و توسل حل نمی‌شود، در هالیوود به حلاکت رسیده است و شاید بتوان به جرئت گفت فیلمی که در آن وجود خدا لمس شود، نایاب است. تبدیل ادیان ابراهیمی به ادیان غیر ابراهیمی، از دیگر پروژه‌های سینمای هالیوودی است. در این روند سعی می‌شود تا افراد از دین ابراهیمی به شدت متنفر شده و جواب سؤالات خود و آرامش خود را در ادیان و فرق غیر ابراهیمی بیابند. ادیان غیر ابراهیمی زمینه‌ساز سلوک شخص به سمت خودپرستی و خودمحوری است. در این نوع آیین‌ها، همه چیز برای رسیدن به آرامش است نه بندگی.

در فیلم *Holy Smoke* ۱۹۹۹ داستان از این قرار است که روث؛ دختر مسیحی بسیار لایبالی است و در سفر به هند، به خاطر روح حقیقت‌جویی، به چشیدن لذت معنوی و باز شدن چشم سوم توسط بابا میهمان می‌شود. این بیداری ناگهانی برای روث، او را مشتاق می‌کند تا گمشده خود و خستگی‌های مذهب قبلی یعنی مسیحیت را با دین جدید ترمیم کند. روث دختری سکسی است که با سؤالات جدی در مورد فلسفه زندگی روبرو بوده و اکنون می‌تواند برای هر کدام از سؤالات خود یک پاسخ

قانع‌کننده بیابد. خانواده روث نگران از تغییر ناگهانی روث و مذهب بیگانه، سعی در برگرداندن او دارند.

پی جی روانشناسی که تخصص او خارج کردن افراد از فرقه است، مأمور انجام این عملیات می‌شود، ولی متأسفانه پی جی خود عامل نیست و شخصی بی‌اخلاق است، چرا با بی‌تقوایی و عدم پرهیز و سوء استفاده از موقعیت خود، حرف‌های خود را زیر سؤال می‌برد. و نیز این که پدر روث که با منشی‌اش فرار می‌کند و خیانتی در حق مادر روث می‌کند نیز از مخالفان سرسخت مذهب هندوئیسم است. همچنین برادر دیگر روث همجنس‌باز است و زن برادر دیگر روث، به نام ایوان، خیانت‌پیشه و خارج از اخلاق خانوادگی عمل می‌کند.

این همه بی‌عفتی از سوی خانواده مسیحی و سوء استفاده از موقعیت‌ها باعث می‌شود روث میان آیین تازه و اختلالات ایجاد شده توسط پی جی سرگردان شود، ولی عاشق شدن پی جی و تأیید حرف‌های روث توسط پی جی، قوت قلبی برای روث می‌شود که به راهش ادامه دهد. در کل فیلم سعی می‌شود که خانواده‌های مسیحی و یا افراد مردد برای گرویدن به آیین هندوئیسم را کاملاً از شک و تردید بیرون بیاورد و با مطرح کردن سؤالات سختی که فرد متخصصی می‌پرسد و جواب‌های قانع‌کننده، شک و شبهه را از دل آن‌ها بیرون کند و زمینه مناسبی جهت گرویدن به آن آیین ایجاد کند. به چند نمونه از این فیلم‌ها اشاره می‌کنیم:

- The Man Who Would Be King
- Au hasard Balthazar (۱۹۷۵)
- The Holy Mountain (۱۹۶۶)
- About (۱۹۶۹) Easy Rider (۱۹۷۳)
- The Drifter (۲۰۰۲) Schmidt
- The Trial of (۲۰۰۴) Exils (۲۰۰۹)
- Hide Out (۱۹۷۴) Billy Jack (۲۰۰۴)
- Broken Rhyme (۲۰۰۶)

استفاده از نمادها و ترویج آن‌ها در فیلم‌ها برای آماده‌سازی ذهنی مخاطب از اعتقادات و داستان‌های مرتبط با آن، بسیار زیاد مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثلاً در یک مورد، *minster* حیوانی به شکل انسان و با بدن اسب که از افسانه‌های یونانی است، در قریب به دوهزار فیلم مورد استفاده قرار گرفته است. تعداد فیلم‌های مروج باستان‌گرایی به دلیل کثرت حذف گردیده است.



**BOY II**  
**ARMY**  
 1.08

Rafferty, MattiHelgeRanin, Roy  
 Rene,Michael A. Richards, Don  
 Rickels, Paul Robeson,Edward  
 G. Robinson,Charles P. 'Chic'  
 Sale, Peter Sellers, Milton  
 Sills, Richard 'Red' Skelton, Leo  
 Slezak, Sir C. Aubrey Smith, Lewis  
 Stone, Lyle Talbot, Danny Thomas,  
 John Charles Thomas, John R.  
 Thomas, Richard Todd, Hal Brent  
 Wallis, Henry B. Walthall, David  
 Warfield, Karl Adrien "Grock"  
 Wettach, Thomas A. Wise, William  
 Wyler, 'Ed' Wynn, Frank R.  
 Adams, Nathan Axelrod, Carter T.  
 Barron, J. Stewart Blackton, Charles  
 Albert Browning, Ray Collins, Norm  
 Crosby, Cecil B. DeMille, Ned E.  
 Depinet, Victor Fleming, William  
 Fox, Clark H. Getts, Arthur  
 Godfrey, Ernest Haller, Rufus  
 King, Chester Lauck 'Lum', Norris  
 Goff 'Abner', Louis B. Mayer, Hal  
 Mohr 'Phantom of the Opera',  
 Rafael Sabatini, Felix Salten (Felix  
 Salzman), Joseph M. Schenck,  
 Jack L. Warner, Pelham Greville  
 Wodehouse, William Wyler, Darryl  
 F. Zanuck, Florenz Ziegfeld, Adolph  
 Zukor  
<http://freemasonry.bcy.ca/fiction/> ۶  
 Masonic با عنوان cinema.html  
 references in cinema ها عبارتند از  
 (۱۹۴۲) Across the Pacific  
 The Affair of the Diamond  
 L'Âged'or, (۲۰۰۱) Necklace  
 American, (۱۹۸۶) Aliens, (۱۹۳۰)  
 Anatomie, (۲۰۰۷) Gangster  
 El Ángelexterminador "The,  
 The, (۱۹۶۲) "Exterminating Angel  
 The Apocalypse, (۲۰۰۶) Ant Bully  
 Arachnophobia, (۱۹۹۷) Watch  
 (۱۹۹۰) ?Are You a Mason  
 Bad, (۱۹۳۴) ?Are You a Mason  
 Bird, (۲۰۰۳) Big Fish, (۲۰۰۳) Boys II  
 Bobby Bumps Starts a lodge, (۱۹۸۸)  
 The, (۲۰۰۹) Brothers War, (۱۹۱۶)  
 "Festen, ۱) Celebration, "Dogme  
 (۱۹۹۸) Chan Is Missing, (۱۹۸۲)  
 Conspiracy, (۲۰۰۴) Collateral  
 Coup de torchon, (۱۹۹۷) Theory  
 -1۹۹۵) Cremaster Cycle, (۱۹۸۱)  
 (۲۰۰۲) The Da Vinci Code, (۲۰۰۲)  
 Dolores, (۲۰۰۸) Dance of the Dead,  
 (۲۰۰۵) Domino, (۱۹۹۵) Claiborne  
 The End of, (۱۹۶۰) Elmer Gantry  
 (۲۰۰۰) Erin Brockovich, (۱۹۹۹) Days  
 (۲۰۰۶) Flushed Away, (۱۹۹۶) Fargo  
 (۲۰۰۱) From Hell

پی نوشت ها:

Marie-Georges-Jean Melies ۱

dreyfus Alfred ۲

Emile Francois Zola ۳ نویسنده

مستهجن نویسنده فرانسوی که در آثارش با نسبت  
 دادن زناى کشیش با دختران و زناى محارم، تنفر  
 عمومی را برانگیخت و بارها توسط مردم مورد  
 اعتراض های شدید واقع شد. او فردی اومانیسیت  
 بود که بی خدایی در آثارش موج می زند.

۴. در وب سایت ویکی پدیا در لیستی تحت عنوان  
 یهودیان آمریکایی شاغل در هالیوود قریب به  
 ۱۴۰۰ نفر از بازیگران، کارگردانان، تهیه کنندگان،  
 فیلم برداران و دیگر عوامل سینمایی لیست شده  
 است.

List of Jewish American entertainers

در سایت ویکی پدیا با آدرس

[http://en.wikipedia.org/wiki/List\\_of\\_](http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_Jewish_American_entertainers)

[Jewish\\_American\\_entertainers](http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_Jewish_American_entertainers)

<http://www.unitylodge.ca/home> ۵

در سایت لژ ۷۱۰ unity lodge

کانادا تعداد بیش از ۱۲۰ نفر از اعضای این لژ

که در هالیوود مشغول به کار هستند، در مقاله

ای با نام ماسون ها در هالیوود اعلام کرده

است. این فقط یکی از لژهای سراسر دنیاست

و آن هم به صورت آشکار لیست خود را

ارائه کرده است. John Aasen, William

Bud Abbott, Max Asher, Eddie

Baker, Josephine Baker, Phil Baker,

Carl Ballantine, Leslie Banks, Theda

Bara, Billy Barty, Billie Bevan,

John Boles, George Brent, Joe E.

Brown, Edgar Buchanan, John

Bunny, Bob Burns, Sir Michael

Caine, Cantiflas, Eddie Cantor, Glen

Cavender, Charles 'Charlie' Chase

Louis W. Chaudet, George M.

Cohan, Ray Bidwell Collins, Chester

Conklin, Donald Crisp, Ossie

Davis, Don DeFore, Joseph DeGrasse

, Reginald Denny, Brian Donlevy,

Charles R. 'Buddy' Ebsenjr, Leon

Erroll, Douglas Fairbanks, Sr.

George D. Fawcett, George Formby,

Christian J. Frank, Clark Gable

John Gilbert, Harold Edward 'Red'

Grange, Walter Hampden, Oliver

Hardy, Jean Hersholt, DeWolf

Hopper, Harry Houdini, Burl

Ives, Al Jolson, Buck Jones, Duke

Kahanamoku, Emmett Kelly Jr.,

Fred Kelsey, Max Asher, Eddie

Baker, Billie Bevan, Glen Cavender,

Chester Conklin, Fred Kelsey,

Hank Mann, Otto Kruger, Carl

Laemmle, Bert Lahr, Robert Z.

Leonard, Elmo Lincoln, Harold

C. Lloyd, Hank Mann, Frank

Morgan, Conrad Nagel, Oscarito,

Dick Powell, Richard Pryor, Chips

میلادی توسط فیلیپ دوک وارتن و دوستانش در انگلستان تأسیس شد. در مدت کمی شاخه‌های متعددی در سراسر اروپا ایجاد کرد. دوک وارتن که یکی از اعضای جوان انجمن‌های فراماسونری آن زمان در انگلستان و ایرلند بود، در مدت کمی توانست درجات بالایی در این انجمن‌ها به دست آورد، به طوری که در سال ۱۷۲۲ سمت استادی را از لژ انگلستان دریافت نمود. شعار اصلی این انجمن که بعدها جزء اصلی‌ترین شعارهای جریان شیطان‌گرایی در قرن‌های بعد شد، این بود: "هر کاری دوست‌داری انجام بده". این شعار اولین بار در قرن ۱۶ توسط نویسنده اومانیست فرانسوی فرانکیس رابلیس مطرح شده بود. مشهورترین شاخه انجمن آتش جهنم توسط شخصی به نام سرفرانسیس داشوود در سال ۱۷۴۶ در انگلستان پایه‌گذاری شد. داشوود در آن زمان یکی از سیاستمداران و از اعضای پارلمان انگلیس بود و بعدها به عنوان رییس کل خزانه داری انگلستان منصوب شد. این گروه که در ابتدا تنها ۱۲ نفر عضو داشت پس از مدت کوتاهی اعضای زیادی از میان طبقه اشراف و سیاستمداران انگلیس را به خود جذب نمود. یکی از مراکز تجمع این گروه در دهکده وست ویکمب امروزه به مکانی توریستی با عنوان "غارهای انجمن آتش جهنم" در انگلستان مبدل شده است. از اواخر قرون وسطی، آیین‌های شیطانی باب روز شد که مهمترین آن "جادوی سیاه" بود. در این دوران یهودی‌ها، جادوگری را به کتاب مقدس کشانیدند و مطالبی را به عنوان اسرار کتاب مقدس در زمینه جادوگری مطرح کردند. سپس جادوی حروف را ساختند و اینچنین شد که جادوگران مسیحی و یهودی با یکدیگر همدست شدند. ص ۱۲: در قرن هجدهم، طغیان علیه عقل و منطق آغاز گردید. داستان خون آشام‌های شبانه و وامپیرها نتیجه تمام تکامل جادوگری در لژهای ماسونی بود. تاریخ جادوگری، ایرج گلسترخی، ص ۱۱ و ۱۲.

۸. انکار ملائک خدا: در قرآن کریم، در مورد ایمان به ملائک خدا، چنین آمده است: «رسول بر آنچه خدا بر او نازل کرد ایمان آورده و همه مؤمنان نیز همه به خدا و فرشتگان خدا و کتب و پیامبران خدا ایمان آوردند [و گفتند] ما میان هیچ یک از پیامبران خدا، فرق نگذاریم. فرمان خدا را شنیده اطاعت کردیم. پروردگارا، ما امرزش ترا می‌خواهیم و می‌دانیم که بازگشت ما به سوی توست.» در این مورد دیدگاه‌های ماسونی چنین است: «با این اطلاعات مختصر و مفید، می‌توان نتیجه‌گیری کرد، این موجودات که بعد از پیغمبر از طرف کسی رؤیت نشده و به نام ملائک به مردم شناسانده شده، تصویری است سمبلیک از ذهن و خیال که در تمام ادیان از آن‌ها نام برده شده است.» انکار بقای ارواح و آخرت: آیات کریمه قرآن مجید، در مورد روح چنین می‌فرماید: «ای پیغمبر! ترا از حقیقت روح می‌پرسند. جواب ده که روح به فرمان خداست و آنچه از علم به شما داده اند بسیار اندک است.» «سپس آن [نظفه بیجان] را نیکو بیاراست و از روح خود در آن دمید، و شما را دارای چشم و گوش و قلب با حس و هوش گردانید، باز بسیار اندک شکر و سپاسگزاری حق می‌کنید.» «کافران می‌گویند، آیا

"The Leopard", "Gattopardo", Il (۱۹۶۳),  
 The Ghosts of Mississippi (۱۹۹۶),  
 Godfather Part III (۱۹۹۰),  
 Who Gypsy (۱۹۶۲),  
 Hollywood Homicide (۱۹۶۵),  
 How to Marry a Millionaire (۲۰۰۳),  
 How to Succeed in Business (۱۹۵۳),  
 Without Really Trying (۱۹۶۷),  
 The Imaginarium of Doctor  
 In Cold Blood (۲۰۰۹),  
 Parnassus Jack (۲۰۰۷),  
 Into the Wild (۱۹۶۷),  
 Keeping in Shape (۱۹۸۸),  
 the Ripper (۱۹۴۲),  
 League of (۱۹۶۴),  
 Kiss Me, Stupid (۲۰۰۳),  
 Extraordinary Gentlemen  
 Like Water (۲۰۰۶),  
 The Librarian  
 for Chocolate [Como aguapara  
 Lone Star (۱۹۹۲),  
 [chocolate  
 Lost (۲۰۰۶),  
 Lonely Hearts (۱۹۹۶),  
 Mad Max Beyond (۱۹۳۷),  
 Horizon  
 Magnolia (۱۹۸۵),  
 Thunderdome (۱۹۹۹),  
 The Man, (۲۰۰۱),  
 The Man, (۱۹۹۹),  
 Man on the Moon,  
 Miami, (۱۹۷۵),  
 Who Would Be King  
 Midnight in the Garden, (۲۰۰۶),  
 Vice  
 Mississippi (۱۹۹۷),  
 of Good and Evil  
 Murder at the (۱۹۸۸),  
 Burning  
 Murder by Decree (۱۹۶۳),  
 Gallop  
 National (۱۹۷۵),  
 Nashville (۱۹۷۹),  
 National Treasure (۲۰۰۴),  
 Treasure  
 Two: Book of Secrets (۲۰۰۷),  
 Once a Mason (۱۹۹۴),  
 Nostradamus  
 Paint Your (۱۹۸۷),  
 Overboard (۱۹۱۹),  
 Wagon (۱۹۶۹),  
 Paper Moon (۱۹۷۳),  
 Peggy Sue Got Married (۱۹۸۶),  
 Revelation (۲۰۰۱),  
 Road Rage (۱۹۹۹),  
 The Searchers (۱۹۹۷),  
 Rosewood  
 Shoot 'Em Up (۱۹۸۲),  
 Secrets (۱۹۵۶),  
 The Shop on Main Street (۲۰۰۷),  
 Slacker (۱۹۸۶),  
 Short Circuit (۱۹۶۵),  
 State of Play (۲۰۰۴),  
 Spartan (۱۹۹۱),  
 Take Me Out To The Ball  
 (۲۰۰۹),  
 Game (۱۹۴۸),  
 They All Laughed (۱۹۸۱),  
 Things to Come (۱۹۳۶),  
 True Grit (۱۹۹۳),  
 Tombstone (۱۹۶۹),  
 True Grit (۲۰۱۰),  
 Unstable Fables (۲۰۰۸),  
 Pigs & a Baby  
 Wall Street: (۱۹۶۸),  
 War and Peace  
 We, (۲۰۱۰),  
 Money Never Sleeps  
 Who Framed, (۲۰۰۷),  
 Own the Night  
 What Planet (۱۹۸۸),  
 Roger Rabbit  
 What's (۲۰۰۰),  
 ?Are You From  
 (۱۹۶۹),  
 Z (۱۹۹۳),  
 Eating Gilbert Grape  
 ۷. یکی از گسترده‌ترین و تأثیرگذارترین گروه‌های ماسونی در طول قرن هجدهم که در راستای ترویج آیین‌های شیطان‌گرایی نقش بسزایی را بازی نموده، انجمنی با عنوان «انجمن آتش جهنم» است. این انجمن که ابتدا در سال ۱۷۱۹



HELLA  
 THE GOLD  
 7.1



است که توسط یک فرد داهی و باهوش، با جمع‌آوری آداب منطقه، به وجود آمده است، در حالی که اساس دین اسلام از طرف خداوند، به رسول خدا وحی گردیده، ماسون‌ها مدعی هستند که حضرت محمد (ص) با الهام از انجیل، اساس و پایه دین خود را انتخاب و قرآن را تحریر نموده است. (مبانی فراماسونری، هارون یحیی، ص ۱۸۹ و ۱۹۰).

۱۲. از مدارک رسمی فراماسونری فرانسه که عمدتاً در «نشریه» و «خبرنامه» رسمی شرف اعظم وجود دارد، ثابت می‌گردد که تمام لایحه‌های ضد روحانیتی که در مجلس فرانسه تصویب می‌گردید، پیش از آن در لژهای ماسونری تدوین شده بود و زیر نظر مستقیم شرف اعظم، که هدف آشکار آن‌ها کنترل هر کس و هر چیز در فرانسه بود اجرا می‌گردید است. (سخنان نماینده مسه Masse، سخنگوی رسمی مجمع ۱۹۰۳، بیانگر این موضوع است: بالاترین وظیفه فراماسونری مداخله روزافزون در مبارزات سیاسی و ضد مذهبی است. موفقیت در مبارزه علیه روحانیت تا حد زیادی مرهون فراماسونری است... چرا که نیت، برنامه و روش‌های فراماسونری بود که به پیروزی رسید. اگر جبهه تثبیت شده است، مدیون فراماسونری و انضباطی است که در لژها آموخته شده است. اگر بخواهیم کار ناتمام خود را به انجام رسانیم، به هوشیاری و اعتماد دوطرفه نیاز داریم. همان‌طور که می‌دانید، این کار... مبارزه ضد روحانیت است که جریان دارد. جمهوری باید خود را از شر اجتماعات دینی خلاص کند و آن‌ها را با یک حمله قدرتمند پاکسازی کند. اقدامات ضعیف در هر کجا خطرناک است، دشمن را باید با یک ضربه از پا درآورد. انقلاب فرانسه اساساً انقلابی ضد دینی بود. در تلاش قاطعانه انقلابیون برای پاکسازی روحانیون همانند رفتاری که با اشراف نیز داشتند، خیلی از کشیشان کشته شدند و مؤسسات دینی و مکان‌های عبادی ویران گردید. ژاکوبین‌ها حتی می‌خواستند که مسیحیت را به طور کامل از بین ببرند و آیین الحادی که «دین عقلانی» می‌نامیدند جایگزین آن کنند. کشمکش در فرانسه بین سلطنت‌طلبان و انقلابیون ادامه یافت و در سال‌های ۱۸۳۰، ۱۸۴۸، ۱۸۷۱ سه انقلاب دیگر رخ داد، «جمهوری دوم» در سال ۱۸۴۸ و «جمهوری سوم» در سال ۱۸۷۱ تأسیس شدند. در فرانسه ماسون‌ها از سال ۱۸۷۷ اصلاحات زیادی به نام «ضد روحانیت» انجام دادند، از جمله غیر مذهبی کردن آموزش، اقدامات علیه مدارس خصوصی مسیحی، مؤسسات خیریه، سرکوب دستورات دینی و غارت کلیساها. این امور در بازسازی ضد دینی و ضد مسیحی جامعه انسانی نه تنها در فرانسه بلکه در تمام جهان، به اوج خود رسید.

۱۳. بشر ناآگاه، با دسپس و برنامه‌های پیش‌بینی شده، برای ارضاء امیال خود به طرف فحشاء کشانیده می‌شود. روابط نامشروع، فاحشه‌گری و در نتیجه جنایات جنسی، روز به روز پر دامنه‌تر و گسترده‌تر می‌شود. حتی به کودکان نابالغ نیز، تجاوز می‌شود. جوانان کم سن و سال، تشویق به برقراری روابط همجنس‌بازی می‌شوند. این قبیل مسائل از طرف نشریات آنچنانی وابسته به افراد

پس از اینکه ما در زمین ناپود شدید، باز از نو زنده خواهیم شد؟ بلی [البته زنده خواهید شد] لیکن آن‌ها به شهود و لقای خدایشان کافرند. « در این مورد نظر ماسون‌ها چنین است: « بروز افکار بقای ارواح، به اندازه عقیده بر وجود خدا، قدیمی و کهنه است. » (نشریه معمار سنان، شماره ۲۴، ص ۳۲ «آیا بعد از مرگ، حیات وجود خواهد داشت، بشر هنوز نتوانسته است به این سوال پاسخ دهد. » (نشریه معمار سنان، شماره ۲۴ ص ۸ سال ۱۹۷۷): انکار دوزخ و بهشت: ماسون‌ها از عالم آخرت، بهشت و جهنم؛ به صفات موهوم و خیالی توصیف کرده‌اند و این دلیل بارزی از بی‌اعتقادی آن‌ها به دنیای آخرت است. از دیدگاه ماسون‌ها، برای داشتن اخلاق نیک، نیازی به دین نیست. دین که منبع اخلاق است، از نظر آن‌ها سبب ایجاد بیم و امید در دل انسان‌ها می‌شود و در اخلاق یک فرد متدین، فضیلت به چشم نمی‌خورد. کسانی که عکس این مسائل را مدعی گردند، از طرف قشر ماسون به بی‌عقلی متهم می‌شوند. به عقیده ماسون‌ها، به پیروی از روش اولیسون، اخلاق نیز با توجه به شرایط زمان و مکان، بایستی در معرض تحول و دگرگونی قرار گیرد؛ به عبارت دیگر یک عمل منفی عفت، فردا به عنوان مظهر اخلاق نیک معرفی شود. اساس و اصل اهداف ماسونری، ضایع کردن ارزش‌های اخلاقی در جامعه است. ص ۲۰۷: هدف نشریه های ماسونری در متدین نشان دادن ماسون‌ها، فریب دادن اذهان عمومی است. ماسون‌ها که با توجه به محتویات کتب و نشریاتشان و مدارک موجود، لامذهب شناخته می‌شوند دارای تشکیلات سازمان یافته‌ای هستند که اهداف و مقاصد آن، در نشر اخلاق پست و انتشار فساد در جامعه، علی‌الخصوص جوامع مسلمان خلاصه شده است. (مبانی فراماسونری، هارون یحیی، ص ۱۹۱ تا ۲۰۷).

۹. ماسون‌ها ظاهراً، مبارزه با خرافات و عقاید کهنه را هدف خود قلمداد می‌نمایند، ولی در اصل، هدف باطنی آنان مبارزه با ادیان به ویژه دین اسلام است. با این وصف نه تنها با وجود بسیاری از عقاید خرافی و توضیحات گمراه‌کننده تورات تحریف‌شده، علیه آن فعالیت‌های نشان نمی‌دهند، بلکه در مقام ستایش و تمجید دین یهود نیز برآمده‌اند. (مبانی فراماسونری، هارون یحیی، ص ۲۷۵)

۱۰. به عقیده ماسون‌ها، به پیروی از روش اولیسون، اخلاق نیز با توجه به شرایط زمان و مکان، بایستی در معرض تحول و دگرگونی قرار گیرد. به عبارت دیگر یک عمل منفی عفت، فردا به عنوان مظهر اخلاق نیک معرفی شود. اساس و اصل اهداف ماسونری، ضایع کردن ارزش‌های اخلاقی در جامعه است. (مبانی فراماسونری، هارون یحیی، ص ۲۰۶).

۱۱. انکار وحی و نبوت: «مگر عیسی مسیح، افکار مربوط به دین مسیحیت را از محل و محیط زندگی خود، منطقه جنوب غربی آناتولی و سرزمین مزوپوتامیه، جمع‌آوری نمود؟ مگر محمد، اساس اسلام را از منطقه خودش الهام گرفته، تثبیت نکرد؟» با این توضیحات، معلوم می‌گردد، ماسون‌ها ضمن رد اسلام مبتنی بر وحی الهی، عقیده دارند که اسلام قواعدی



خارج از دین و اخلاق، عادی تلقی گردیده مردم به ارتکاب گناه و نادیده گرفتن آداب و اصول مذهبی ترغیب می شوند. به موازات آن، با نمایش فیلم های مفتضح و با عرضه زندگی مشتی افراد مرفه کشورهای غربی و سرمایه داری، ملت را در جهت لامذهبی، رسوایی و زندگی پر آشوب سوق می دهند و در نتیجه با ترویج فساد و حاکم نمودن ذلت و تباهی در جامعه، پایه های اخلاق متکی بر دین را سست می گردانند. با مستولی کردن شهوت بر عقل و منطق، مردم روی در روی آداب و سنن دینی قرار داده می شوند. از همین نقطه، دشمنی با دین رخ نشان داده و در رگ های جامعه گرفتار در چنگال نامرئی ماسون ها، جاری می گردد. در این ضمن با چاپ مقالاتی نظیر عدم وجود خدا، یا میحث تولید انسان از میمون در اثر اولسیون، در نشریات وابسته در جامعه ای که احساسات جنسی مردم آن به طور وحشتناکی تحریک گردیده، گام های آخرین برای رسیدن به مقاصد شوم برداشته می شود. (مبانی فراماسونری، هارون یحیی، ص ۳۴۶)

۱۴. فراماسونرها با مطرح کردن انگیزه های پسا دادگاه تفتیش عقاید بر ضد خود که توسط کلیساها و پاپ صورت می گرفت، خود را قربانیان ظلم و تعدی روحانیت می دانند و دلیل این تعدی را نیز این می دانند که آنان قصد داشتند مردم را از زیر یوغ کلیسا نجات دهند و مورد غضب کلیسا واقع شدند که این دروغی بیش نیست. و جرم آن ها شیطان پرستی و انجام آئین های مشرکانه و کافرکشانه بود. خانم دکتر کارن رالس (Karen Ralls) مورخ قرون وسطی و نویسنده کتاب *The Templars and the Grail*: پس از آن ضرورتی برای وجود شوالیه های معبد نبود. پس از این شکست ها، برخی از مردم احساس کردند که شاید خدا آن طور که آن ها قبلاً تصور می کردند اقتدار مقدسی را به شوالیه های معبد نداده بوده است ناگهان اوضاع تغییر کرد. در روز جمعه مورخ ۱۳ اکتبر ۱۳۰۷، به مقرهای اصلی شوالیه های معبد در سرتاسر فرانسه حمله شد و نظامیان فرانسوی تعداد زیادی از شوالیه ها را دستگیر کردند که در میان این شوالیه ها، رهبر آن ها ژاک دملی و گروهی از شوالیه های رده بالا حضور داشتند. آن ها متهم به جرایم سنگین شدند و اموالشان مصادره شد. این اتهامات چیزی بالغ بر ۱۰۰ مورد بود از جمله: ریختن آب دهان و ادرار کردن بر روی صلیب، خوردن خاکستر مردگان، همجنس بازی، شیطان پرستی و ...

[www.karenralls.com](http://www.karenralls.com)

۱۵. آقای عدنان اکتار یا هارون یحیی پژوهشگر و محقق دنیای اسلام شرایط عضویت در لژهای ماسونی و مراسم عجیب و غریب عضویت در آن را شرح می دهد: فراماسون ها نیازی نیست که به آدم ها پیشنهاد خاصی بدهند چرا که آن ها پیش از این، این مسائل را به خوبی دریافته اند. برای مثال اگر کسی بخواهد عضو هیأت علمی دانشگاه شود، او می داند چقدر آسان تر است. که ابتدا به عضویت فراماسونری درآید. یا اگر کسی بخواهد سرگروه علمی شود می داند که چه راهی آسانتر است بنابراین خیلی از این نوع افراد در انتظار پیشنهاد هستند تا به فراماسونری

پیوندند. در این موقع هست که دو یا سه تا از آن ها پیدایشان می شود و می گویند ما مواظب شما بوده ایم و دریافتم که شما شخص بسیار باهوشی هستید. ما تصمیم داریم که از شما یک ماسون بسازیم. آن ها می گویند که آن شخص را به لژ خود خواهند برد. آن ها در آن جا یک سلول دارند، یک مجموعه آدم را از قبرستان می دزدند و در آنجا قرار می دهند سپس می گویند که بشین و فکر کن بعد یک چیزی مثل ماسک روی سرش می گذارند و با طناب یا ریسمانی دور گردنش می بندند و وادارش می کنند تا ۴ دست و پا مثل حیوان دور اتاق بچرخد. بعد پیراهنش را پاره کرده و با شمشیر دو سه خراش روی سینه اش می اندازند بعد وادارش می کنند قسم بخورد هیچ گاه اسرار فراماسونری را فاش نکند حتی اگر تا سرحد مرگ درد بکشد یا قطعه قطعه اش کنند. پس از آن ورود او به تشکیلات فراماسونری را خوشامد گفته و چشم بندش را برمی دارند. این اولین مرحله است، به عبارت دیگر نخستین گام ها برای سوق دادن مردم به سوی درجات کفر برداشته می شود.

۱۶. آقای دکتر هارون یحیی کارشناس تاریخ فراماسونری درباره این تشکیلات صهیونیستی و عملکرد شیطانی اش در طول دوران فعالیتش اظهار می دارد: تساهل و تسامح نیز از اصول مبنایی این انجمن هاست لژهای فراماسونری برای نفوذ در جوامع مختلف نیازمند خلع سلاح عقیدتی آن ها هستند تا موانع پیش رو را کاهش دهند و این خلع سلاح را با تبلیغ مدارای اعتقادی صورت می بخشند. دکتر حقانی عناصر اصلی اندیشه ماسونری را تشریح می کنند: نکته بعدی درباره لژهای ماسونی، مخالفت حضور دین در سیاست است که با صراحت این شعار را عنوان می کنند و جزء اصول قانون اساسی شان است. تسامح و تساهل و رواداری و **tolerance**، از اصول دیگر فراماسونری هست که به اعضای فراماسونری آموزش می دهند. عدم تعصب مذهبی فراماسون ها از همان ایدئولوژی و تفکر صهیونی اومانیسیم نشات می گیرد. وقتی مطرح می شد، یک ماسون نباید تعصب داشته باشد یعنی نباید مسلمان باشد، نباید اعتقاد داشته باشد، نباید امر به معروف و نهی از منکر کند، نباید اصل تبری و تولی را بپذیرد. وقتی بحث اومانیسیم می شد، این اومانیسیم انسان در افق قرآن نبود، انسان از منظر حضرت علی نبود، انسان در ایدئولوژی و جهان بینی اسلام نبود. انسان در غرب بود. آن انسان غربی را مطرح می کرد که منهای خدا و منهای دین بود.

۱۷. دکتر حقانی مدیر پژوهشی تاریخ معاصر، ریشه های فکری لژهای فراماسونری را از عصر روشنگری و گرایش های ضد دینی شبه روشنفکران برآمده از آن پی می گیرد: فراماسونری نفسی ادیان است و در بعضی لژها تاکید بر دین طبیعی و در بعضی اساساً نفی خداوند است. در فرانسه لژهای فرانسوی عمدتاً لژهایی هستند که وجود خداوند را منکر می شوند. انگلیسی ها وجود خداوند را منکر نمی شوند، بلکه ادیان را منکر می شوند که عملاً همان ترویج سکولار است. یک جریانی در عصر روشنگری در غرب فعالیت خود را آغاز کرد تحت عنوان دئیسم که اینها قائلان به وجود خداوند هستند، بدون اذعان به

وجود ادیان الهی. اینها سعی کردند هر نوع دینی را طرد کنند و نهایتاً بگویند ما به خدا به عنوان وجودی که هستی را خلق کرده، اعتقاد داریم؛ اما خداوند هیچ دخالتی در نحوه زندگی انسان و اداره هستی ندارد و بنابراین بشر برای اداره خودش در جامعه و سیاست، خودمختار است. آقای هارون یحیی یا عدنان اکتار، اساس تفکر ماسونی را ضدیت با ادیان توحیدی به خصوص اسلام می‌داند: به عنوان یک ایدئولوژی در واقع فراماسونری علیه هر نوع دینی است. آن‌ها این مطلب را در کتاب‌هایشان فریاد زدند، افراد بی‌دین برای بالاترین درجات عضویت انتخاب می‌شوند، هدف اصلی فراماسونری پدید آوردن دنیایی بدون دین و مذهب است. از همین رو تمام رهبران کمونیست‌ها، فراماسون بودند کارل مارکس یک ماسون بود، لنین یک ماسون بود و تروفسکی هم یک ماسون بود. تقریباً هیچ رهبر کمونیستی نبوده است که فراماسونری نبوده باشد.

#### ۱۸. Cosmopolitanism

۱۹. مفهومی است به معنای باور تعلق تمام جهان به تمام مردم جهان و عدم وابستگی‌های قومی - ملی و در کل، باور به این‌که جهان، میهن مشترک تمامی مردم است. در این مفهوم، تعلقات مادی و معنوی به کشور خودی و خاصی وجود ندارد و دیگر هیچ علائق فرهنگی، سنتی و سیاسی ویژه‌ای نسبت به سرزمین و کشور وجود ندارد؛ مارکوس سیرون، از اولین طرفداران این نظریه، به سه اصل معتقد بود: الف) عدالت طبیعی ب) تابعیت جهانی ج) دولت جهانی. دکتر احمد دوست محمدی محقق و مدرس دانشگاه، اهداف استراتژیک ماسونی را چنین تشریح می‌کند: لژ ماسونی نباید به یک دولت یا دو دولت اکتفا کند، بلکه تمام دولت‌های جهان را باید تحت سیطره خود قرار دهد. برای رسیدن به این هدف ابتدا لازم است دین و علمای دین را که یگانه دشمن ما هستند نابود کنیم. این را در کنفرانس شرق اعظم در سال ۱۹۲۳ گفتند. هدف انجمن‌های فراماسونری سیطره بر جهان است و در این راه، سیطره اصولی، تشکیلاتی و نیز فکری را مبنای فعالیت خود قرار می‌دهند.

۲۰. کابالیست‌ها به مصر باستان با دیدی ستایش‌آمیز نگاه می‌کنند و این در حالی است که تفکر توحیدی اسلام، مصر باستان و فراعنه و کاهنان آن را نمونه کامل طغیان انسان در برابر خداوند می‌داند. این نگاه ستایش‌گرانه نسبت به تمدن مصری، امری است که از طریق کابالا وارد اندیشه‌های فرقه‌های مسیحی قرون وسطایی از جمله فرقه شوالیه‌های معبد شد و در نهایت به فراماسونری امروز راه یافت. تأثیر شوالیه‌های معبد بر فراماسونری، خود مؤید تأثیرات انکارناپذیر یهودیت بر فراماسونری است. البته برخی از روزنامه‌های یهودی بر این ارتباط تنگاتنگ میان یهودیت و فراماسونری تأکید کرده‌اند. «فراماسونری اروپایی، ماهیتی یهودی دارد» (مجله یهودی لافیری منتشر شده به سال ۱۸۶۱) خاخام اسحاق وایز در سوم آگوست سال ۱۸۶۶ در مجله‌ای اسرائیلی - آمریکایی نوشت فراماسونری از حیث درجات، تعالی، پیام‌های محرمانه و روشنگری‌های تاریخی‌اش تشکیلاتی یهودی است. گزینش هرم به عنوان سمبل از سوی

فراماسون‌ها، به این دلیل بود که آن‌ها اهرام مصر را به عنوان سمبل نیروهای خارق‌العاده و فرا طبیعی کاهنان مصر می‌دانستند. افزون بر این، نماد هرم نشان از نظام طبقاتی و سلسله مراتب سازمان فراماسونری دارد. به طوری که ساختار این سازمان نیز ساختاری هرمی است. ماسون‌ها با زبانی که هر کس توانایی فهم و درک معانی ویژه آن را ندارد، مطالب خود را به یکدیگر می‌فهمانند. در بررسی رمزهای ماسونی، به نمادهای زیادی که از تورات برگرفته شده است، برمی‌خوریم.

۲۱. در کتاب تاریخ جادوگری، ترجمه ایرج گل‌سرخ، به پرستش بت‌های گوناگون در بین یهودیان در قدیم اشاره می‌کند و هم اکنون ماسون‌ها تعدادی از این بت‌ها را پرستش می‌کنند و مراسم‌های خود را در کنار آن‌ها اجرا می‌کنند. یهودی‌ها داگون (Dagon) الهه فلسطینی‌ها را که نیمی زن و نیمی ماهی بود، می‌پرستیدند. مجسمه برنزی این الهه به شکل زنی زیبا ساخته شده بود که مانند درکه تو (Derceto) و دریکه (Dirce) (د الهه سریانی‌ها در اشکلون دمی مانند دم یک ماهی عظیم داشت. یا آسیما (Assima) خدای آماتیت‌ها که به شکل بز بود، اما مخوف‌ترین خدایان، مولوخ (Moloch) بچه‌خوار خدای عامونی بود. نام مولوخ از واژه عبرانی ملک به معنی شاه گرفته شده بود. و آیین پرستش او به نیت طلب سلامتی و طول عمر برای شاه انجام می‌شد. پرستندگان در برابر، از او انتظار داشتند که شاه نیروی جادویی خود را در راه سود و صلاح مردم به کار اندازد و به ویژه به محصولات کشاورزی آن‌ها برکت دهد. اما بهای مولوخ بسیار سنگین بود و مردم کودکان خود را برای خوشایند بت معبودشان در برابر او به آتش می‌افکندند و مولوخ که تا گلو از جان قربانیان خود انباشته بود همچنان بر دره هیوم حکمرایی می‌کرد. هنگام اجرای مراسم پرستش، طنین کرکننده سنج و شیپور و طبل‌ها فضا را با چنان خروش و حشایش‌های می‌انباشت که فریاد و استغاثه قربانیان بت در آن خاموش می‌شد. اکنون دیگر می‌دانیم که اندیشه خدای واحد در انحصار اسرائیل نبوده و این مردم برگزیده هم نمی‌توانند ادعا کنند که نخستین قومی بوده‌اند که به توحید (Monotheism) پی برده‌اند.

۲۲. زرتشت آن اعتقاد قدیمی به نیروهای خیر و شر را تعبیر به جهانی نمود که بین دو فرمانروا تقسیم شده و اصل اینها نیز یکی: اورمزد (اهورامزدا) سلطان نور و دیگری اهریمن (انگرمینو) فرمانروای ظلمت است. زرتشت سایر نیروها را که در معتقدات قلبی وجود داشتند، به کنار گذاشت، ولی چون نمی‌توانست آن‌ها را از اذهان مردم خارج نماید، به ناچار جای آن‌ها را به سلسله مراتب ارواح شریر تغییر داد. نیروهای شر به سرکردگی اهریمن، سپاهی منظم، همچون سپاه خیر داشتند و دو لشکر نه به طور در هم ریخته که با نظم جنگی خاص وارد میدان نبرد می‌شدند و سپاهیان نور و ظلمت مانند مهره‌های سیاه و سفید شطرنج با نیروهای برابر با یکدیگر مواجه می‌گشتند. پس از پیروزی نیز آرامشی وجود نداشت، زیرا جنگ تا پایان زمان ادامه می‌یافت و نه تنها در زمین که در آسمان‌ها نیز طبل‌های

جنگ نام اورمزد و اهریمن را فریاد می‌زدند. تاریخ جادوگری ایرج گل‌سرخ ص ۴۴. ریشه میترائیسم و مانی‌گری، در دین زرتشت است. (تاریخ جادوگری، ایرج گل‌سرخ، ص ۴۴ و ۴۸). ۲۳. اگر به نمادهای فراماسون‌ها دقت کرده و آن‌ها را مورد بررسی قرار دهیم، می‌توانیم نمادهای مورد تقدیس گروه‌های شیطان‌گرایی را به وضوح ببینیم. فراماسون‌ها شیطان را به عنوان حامل نور پرستش می‌کنند. لوسیفر و شیطان از نظر کتاب مقدس یکسان‌اند. قالبی که شیطان‌پرست‌ها در سطوح بالا پرستش می‌کنند، لوسیفر است. آن‌ها همواره به دنبال حامل نورند. اسکیمل: «بسیاری از ماسون‌ها واقعاً نمی‌دانند که خدای فراماسونری، در واقع شیطان است.» در تاریخ ۱۴ جولای سال ۱۸۸۹، آلبرت پایک، یکی از رهبران فراماسونری این توضیحات را به ۲۳ رهبر شورای حقوق اسکاتلندی در سراسر جهان ارائه می‌دهد: "ما یک خدا را می‌پرستیم؛ اما این خدایی است که ماوراء الطبیعه را دوست دارد. پس شما ژنرال‌های بزرگ این را برای برادران ۱۱۳، ۱۳۱، ۱۳۲ ام تکرار کنید؛ دین ماسون‌ها، باید پایه‌های لوسیفری داشته باشد. لوسیفر خداست؛ دین خالص و واقعی و فلسفی، باید به لوسیفر اعتقاد داشته باشد. استفن نایت: «درجه ۲۲ به بعد رسماً پرستش شیاطین و ارتباط با شیاطین مطرح می‌شود. در درجات پایین‌تر انسان‌گرایی مطرح است.» تاریخچه شیطان‌گرایی گواه آن است که گروه‌های شیطان‌گرا از همان آغاز تحت تأثیر کابالیست‌های یهودی بی‌سازمان فراماسونری تعامل گسترده‌ای داشتند. «لژ کهن اسکاتلند» که هنوز هم شاخه اصلی ماسونی به شمار می‌رود، بر ایجاد و ترویج فرقه شیطان‌گرایی تأثیر گذار بوده است. امروزه گروه‌های شیطان‌گرایی در همسویی با اهداف فراماسونری طرفدارانش را از میان نخبه‌های سیاسی جوامع برمی‌گزیند. جرج بوش پدر، جرج دبلیو بوش و همسرش، لورا بوش رونالد ریگان، بیل کلینتون و سایر شخصیت‌ها و رهبران سیاسی مانند سناتور جان کری رقیب انتخاباتی بوش سیلویو برلوسکونی نخست وزیر ایتالیا، تامی فرانکس فرمانده نیروهای آمریکایی در جنگ عراق، همگی از سیاست‌مدارانی هستند که به گروه‌هایی پیوسته‌اند که شباهت‌های اعتقادی و رفتاری با شیطان‌گرایی دارد.

۲۴. الیمن سیلویا نویسنده فرانسوی کتاب تاریخ جادوگری، شواهد تفصیلی در این کتاب ارائه می‌دهد و اثبات می‌کند که شوالیه‌های معبد گام مهمی را در گسترش تعالیم کابالا برداشتند. فراماسونری خود را شاخه‌ای از شوالیه‌های معبد می‌داند که بعد از تعقیب توسط کلیسا بسیاری از آنان به سمت اسکاتلند گریختند، چون کشور امنی برای آن‌ها به شمار می‌آمد. آن‌ها تحت حمایت پادشاه اسکاتلند «روبرت بروس» به اسکاتلند پناه بردند و تجدید سازمان کردند. شوالیه‌ها به دهکده روزلین رفتند. این منطقه زیر نظر یکی از قدیمی‌ترین و قدرتمندترین طوائف اسکاتلند به نام سینکلر «Sinclairs» بود. شهسواران معبد در این ناحیه و در این قلعه بعد از ۱۳۱۲ تحت حمایت بارون سنت کلر می‌زیستند. گفته می‌شود در این منطقه خاص و در قلعه روزلین (Roslyn)



Castle)، شوالیه‌ها توانستند اشیاء و اسناد خود را مخفی کنند. در کنار قلعه، کلیسای کوچکی به سفارش سر ویلیام سنت کلا در بین سال‌های ۱۴۴۶ تا ۱۴۴۸ بنا گردید. او معماران دوره گرد و سنگ تراشان را از سراسر اروپا جمع کرد و در نزدیک دهکده روزلین خانه‌های جدیدی بنا شد و لژی در آن افتتاح گردید. به این ترتیب بود که بذر فراماسونری در اسکاتلند کاشته شد و هنوز هم تا به امروز «لژ کهن اسکاتلند» شاخه اصلی فراماسونری به شمار می‌رود. بنا به گفته هارون یحیی متقاعد کننده‌ترین دلیل اتحاد شهسواران معبد و ماسون‌ها در اسکاتلند قلعه و کلیسای روزلین است چرا که علاوه بر شوالیه‌های معبد، فراماسون‌ها و فرقه سری روزی کراسین‌ها در ساخت آن کوشیدند.

۲۵. مرلین منسون که نام اصلی‌اش برایان وارنر می‌باشد، نام خود را از «مرلین مونرو» و فامیل خود را از «چارلز منسون» گرفته است. این شخصیت گرچه خواننده یک گروه موسیقی است، اما امروزه بزرگترین مبلغ شیطان‌گرایی در جهان محسوب می‌شود؛ چرا که به جرئت می‌توان گفت شیطان‌گرایی در دنیا به واسطه کلیسای شیطان آنتوان لاوی رایج نشده، بلکه توسط او رایج شده است. لازم به ذکر است امروزه کلیسای شیطان در هیچ کجا دفتر یا شعبه‌ای ندارد. بلکه سایر مکاتبات رسمی این فرقه از طریق یک صندوق پستی صورت می‌پذیرد. البته این کلیسا مراسم خود را از ادانه در سطح شهر برگزار می‌کند. مرلین منسون ارتباط خوبی با کلیسای شیطان داشته چنانچه آنتوان لاوی نویسنده انجیل شیطان، مرلین منسون را واعظ اعظم کلیسای شیطان معرفی کرد. او حتی در نگارش دیباچه کتابی از آنتوان لاوی هم دست داشته و از کلیسای شیطان کارت قرمز درجه ۳ را نیز دریافت کرده است. اما چیزی که خیلی عجیب است این است که گرچه او شیطان گراست اما نام او را در تیتراژ بسیاری از فیلم‌های مطرح آمریکا می‌توان دید. تنها ۵۲ فیلم و برنامه تلویزیونی از موسیقی او در کارهایشان استفاده کرده‌اند. برای نمونه نام او را در موسیقی فیلم‌های مطرحی چون ماتریکس، مقیم شیطان، قاتلین بالفطره می‌بینیم. همچنین نام او در فیلم بزرگراه گمشده به عنوان بازیگر به چشم می‌خورد. بیشتر این فیلم‌ها توسط کارگردان‌های مطرح کار شده‌اند و حتی برنده جوایز جهانی هم هستند. اما او مگر در کنسرت‌هایش چه می‌کند که اعتراض مردم را برانگیخته است. او در کارهایش کثیف‌ترین اعمال شیطانی را از طریق شعر، موزیک و تصویر به تصویر کشیده است. برای همین می‌توان گفت ساده‌ترین توهین او به مسیحیت پاره کردن انجیل در کارهایش بوده است. اما او همیشه به کارهای توهین‌آمیز و مبتذل خود ادامه داده و هیچ مانع قانونی برای فعالیت‌هایش نداشته است. حمایت تبعیض‌آمیز رسانه‌های غربی از منسون چنان آشکار و واضح بوده که حتی برخی گروه‌های شیطانی دیگر که بی‌نیاز از این امتیازها شده‌اند نسبت به این حمایت‌های افراطی دولتی انتقاد و اعتراض کرده‌اند. اولین جمله‌ای که بعد از دیدن کارهای او به ذهن متبادر می‌شود این است که چطور به او اجازه چنین کارهایی داده می‌شود. اما جالب

است بدانید او قبل از اینکه به خاطر توهین به خدا یک میلیاردر شود، در یک فروشگاه موسیقی کار می‌کرده است.

۲۶. نئوپاگان‌هایی که بستر طبیعت را می‌پرستند و در سال ۱۹۵۴ به دست جرالد گارنر، انگلیسی‌ جادوگر تأسیس شد.

۲۷. عروسکی نمادین از فردی که می‌خواهند اذیت کنند می‌سازند و بعد با فرو کردن سوزن در آن عروسک، فرد را از راه دور مورد اذیت قرار می‌دهند و گاه می‌کشند.

۲۸. مراسمی که از جادوگران پیشین که منسوب به کابالا بوده‌اند، برجای مانده است. شب‌ات همان سبت؛ یعنی شنبه است. این مراسم، نمازی در یهودیت متأثر از فرقه کابالا نیز دارد که در شب جمعه خوانده می‌شود، ولی شب‌ات جادوگرها با اذکار و اوراد جادویی همراه است که همراه هم لخت زیر نور ماه می‌رقصند و پایکوبی می‌کنند. زمان این مراسم‌ها در اوقات تغییر طبیعت است که به صورت جشن و پایکوبی از دوران سلتی‌ها برجای مانده است. بدین صورت که مراسم شب‌ات مخلوطی از آموزه‌های سلتی‌گری و کابالیسم است. ۲۹. اسپایدرمن یا مرد عنکبوتی برای انداختن تار از دست‌هایش، اشکال متفاوتی را به انگشتانش می‌دهد که تار از دستانش خارج نمی‌شود تا اینکه دستانش را به حالت شاخ بز بافومت در می‌آورد. رجوع کنید به فیلم اسپایدرمن.

۳۰. «نشو» در حقیقت همان «New christ» یا «مسیح جدید» است که بر خلاف عیسی مسیح (ع)، نه از میان پارسایان که از بین تکنیسین‌ها انتخاب می‌شود؛ در نتیجه پیامبر آخرالزمان به جای آنکه «تئوریسین» باشد، یک «تکنیسین» است. در قسمت‌های دوم و سوم فیلم، با ترویج شکاکیت و حیرانی و به هم ریختن مرزهای دنیای واقعی و مجازی، بنیان فکری مخاطبان ظاهراندیش را از هر ایدئولوژی و استحکامی خالی می‌کند.

۳۱. هارترتص در گزارشی از ایسن واقعیت پرده برداشت که اکثر سوپر قهرمان‌ها خالقانی یهودی در پشت سر دارند که رؤیاهای آن‌ها را تعبیر می‌کنند و اعتقادات آن‌ها در قهرمان‌هایشان رسوخ کرده است. به گزارش مشرق، در اواسط دهه ۱۹۳۰، همزمان با رکود بزرگ و ظهور آلمان نازی، «جری سیگل» و «جو شوستر» به فکر خلق شخصیت قهرمان افسانه‌ای با عضلاتی پیچیده و شنلی بلند و برافراشته افتادند که به جنگ با بدی‌ها و شیطان برخاسته بود. شاید سوپرمن مانند خالق آن یک یهودی نباشد ولی برخی پژوهشگران، متخصصان و کارشناسان کتاب‌های مصور و خاخام‌های یهودی معتقدند که «کلارک کنت» - سوپرمن - به صورت دقیقی تحت تأثیر میراث و تفکرات خالق یهودی‌اش قرار گرفته است. روزنامه صهیونیستی هارترتص به بهانه راه افتادن دو نمایشگاه در دانشگاه براون آمریکا که به صورت تخصصی به نقش یهودیان در زائر کتاب‌های مصور [کارتون و کمیک استریپ] می‌پردازد گزارشی را درباره سوپر قهرمان‌ها و خالقان یهودی‌شان منتشر کرده، است از نگاه نویسنده این گزارش اگر چه هیچ یک از این قهرمان‌ها قیافه‌ای یهودی ندارند اما خلق و خو و اعتقادات خالقان خودشان را به ارث برده‌اند و اگر اندکی توجه شود می‌توان کارتون‌های

یهودی را پشت سر سوپرمن‌ها تشخیص داد. گزارش هارترتص در ادامه توضیحاتش درباره نمایشگاه دانشگاه براون این نمایشگاه را با هدف بررسی نقش مهم و بنیادی یهودیان در تولید کارتون [شامل کاریکاتور، کمیک استریپ و شخصیت‌های کارتونی] در دنیای غرب و خصوصاً آمریکا بویژه نقش آن‌ها در تأسیس مجله کاریکاتور "MAD mag" که یکی از نشریات مشهور کارتون در غرب است، معرفی می‌کند و همچنین این نمایشگاه قرار است تا به نقش کلیدی یهودیان در طراحی شخصیت‌هایی مانند سوپرمن، اسپایدر من، هالک افسانه‌ای، بت من و کاپیتان آمریکا نیز بپردازد. کارتون‌های که به خلق این شخصیت‌ها دست می‌زدند اغلب یهودیان مهاجر به آمریکا بودند، هارترتص با اشاره به اینکه تاریخی اضافه می‌کند که یهودی‌های مهاجر به آمریکا در کارتون‌های خود با دشمنان‌شان می‌جنگیدند که در سال‌های ابتدایی شخصیت‌های کمیک استریپ و کارتونی هیتلر در رأس این دشمنان بود، به عبارت بهتر این شخصیت‌ها آرزوهای یهودیان را به نمایش می‌گذاشتند. بر اساس آنچه این روزنامه در گزارش خود آورده به نظر می‌رسد که یکی دیگر از آرزوهای یهودیان مهاجر به آمریکا تسلط و راهبری این کشور بوده؛ آرزویی که در قالب تلاش‌های ستاره‌های خلق شده توسط آن‌ها نشان داده می‌شود و هارترتص از آن با عنوان تلاش برای بازگرداندن آمریکا به مسیر اصلی خود، یاد می‌کند.

۳۲. معرفی چند تن از یهودیان و ماسون‌هایی که اقتصاد جهان را تحت تأثیر قرار داده‌اند: پر، یاکوبسن - یهودی، سوئدی، کارشناس بین‌المللی پول، بانک‌های مرکزی کشورهای اروپایی برای تثبیت سیاست آینده پولی خود، از وی دستور می‌گرفتند. رئیس اجرائی عملیات بین‌المللی پول بوده است. ۱۹۶۳ - ۱۸۹۴. کافمن برانگ - یهودی، اولین فردی است که وام مسکن را به کار گرفته است. لیدر کشاورزان سیسل بود و موجبات اخذ اعتبار کشاورزی زارعین را در مقابل رهن مزارعشان فراهم نمود. در این روش مزرعه‌ای که نیازمندی‌هایی نظیر کود و بذر و سرمایه را تکافو نماید از طرف بانک حراج می‌شود. در قرن هیجدهم می‌زیسته است. اسحاق بوت - یهودی، اقتصاد دان ایرلندی - به علت فعالیت‌های مداوم و تحقیقات وسیع در زمینه مسائل کار، بیمه، و بازنشستگی، به شهرت رسید. ۱۸۷۹ - ۱۸۱۳. آلفرد اسحاق - یهودی، اقتصاد دان آلمانی و استاد دانشگاه نورنبرگ، به بهانه آلمان هیتلری با عده زیادی از یهودیان به ترکیه سفر کرده و مدت‌ها استاد دانشگاه استانبول بود. ۱۹۵۶ - ۱۸۸۸. یوسف دوپرتس برگر - یهودی، استاد دانشگاه کراتس کشور اتریش و استاد دانشگاه استانبول، عضو حزب کمونیست اتریش. فریتس نوی مارک - یهودی، اقتصاد دان. پل آیزنیک - یهودی، اقتصاد دان مجارستانی. مبنای فراماسونری، هارون یحیی، ص ۲۲۶.

۳۳. به چند سایت خبریه فراماسونری رجوع کنید  
<http://www.grandcharity.org>  
<http://www.cheshiremasons.co.uk>